HAFT-E-SOBH DAILY

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
چهارشنبه | ۲ مهر ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۵۵
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

سینمای ایران در تابستان امسال؛ جنگ کوتاه، فضای پرالتهاب، کاهش مخاطب و فروش قابل قبولی را تجربه کرد

فروش بیشتر تماشاگر کمتر

صفحه ۵

درگیری خانوادگی منجر به قتل پیرمرد ۹۰ ساله به دست پسر معتادش شد

به عشقم نرسیدم پدرم را کشتم

صفحه ۷

خیابان ولیعصر در حال از دست دادن سبزترین سرمایه‌اش است، درختانی که روزی شناسنامه تهران بودند

متهم جدید خشک شدن درختان ولیعصر

از ۱۸ هزار چنار کاشته شده در سال ۱۳۱۸، حالا تنها چند هزار درخت نیمه‌جان باقی مانده است

صفحه ۶

معجزه‌ای در میان چرخ‌های مرگ

یک پسر ۱۳ ساله افغان با پنهان شدن در چرخ هواپیما از کندز به دهلی رسید

صفحه ۴

ردپای تحریم‌های مالی و ریسک‌های ژئوپلیتیکی بازار پرریسک رمزارزها را به چالش کشید

جنگ سرد روی بلاک چین

- با افزایش فشار بر تتر، مقصد بعدی سرمایه‌های ایرانی احتمالا سایر استیبل کوین‌ها یا طلا و بیت کوین خواهد بود
- فریز دارایی‌های دیجیتال نشان داد که تمرکز روی یک استیبل کوین می‌تواند ریسک بزرگی برای سرمایه‌ها ایجاد کند

در سال‌های اخیر، با گسترش تحریم‌های مالی و محدودیت‌های بانکی، بخش قابل توجهی از سرمایه ایرانیان به بازار رمزارزها مهاجرت کرده است. برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانی در قالب دارایی‌های دیجیتال در صرافی‌های خارجی و کیف‌پول‌های شخصی نگهداری می‌شود. این روند، رمزارز را به یکی از مسیرهای اصلی حفظ ارزش دارایی و انتقال پول برای ایرانیان تبدیل کرده است. اما همزمان با رشد این بازار، ریسک‌های حقوقی و سیاسی نیز افزایش یافته‌اند؛ ریسک‌هایی که حالا با انتشار خبر مسدودسازی کیف‌پول‌های تتر، بار دیگر خود را به رخ کشیده‌اند...

صفحه ۲

رویای بازیگری امروز نه جلوی آینه که پشت درکلاس‌های میلیونی شکل می‌گیرد

پلان‌هایی با صفرهای درشت

- بسیاری از هنرجویان پس از پایان دوره، جز یک مدرک و جیب خالی، چیزی به دست نمی‌آورند
- شهریه‌های میلیونی کلاس‌های بازیگری، رویای جوانان را به تجارتی پرزرق‌وبرق و پرابهام تبدیل کرده است

صفحه ۵

یادداشت

با دستور قاطع دادستان قشم برای توقف واگذاری مزارع پرورش میگو در ژئوپارک جهانی قشم

اعتبار جهانی قشم حفظ می‌شود

عبدالرزاق نریمانی، دادستان قشم، در توضیح این دستور تأکید کرد: «ژئوپارک جهانی قشم تنها ژئوپارک ثبت‌شده در خاورمیانه تحت حمایت یونسکو است و حفاظت از آن، نه فقط یک وظیفه ملی، بلکه تعهدی بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.» او هشدار داد که توسعه مزارع پرورش میگو در نزدیکی این محدوده می‌تواند اکوسیستم شکننده جزیره را نابود کند و جایگاه جهانی قشم را در معرض تهدید جدی قرار دهد؛ تهدیدی که ممکن است به خروج این اثر بی‌بدیل از فهرست یونسکو بینجامد. این دستور اقدامی پیشگیرانه برای جلوگیری از بحران‌های زیست‌محیطی و حقوقی است. چون مزارع پرورش میگو به‌طور مستقیم بر چرخه طبیعی آب، خاک و زیست‌بوم منطقه اثر می‌گذارند و آلودگی ناشی از آن می‌تواند حیات گونه‌های گیاهی و جانوری را به خطر اندازد. دادستان قشم در این باره تصریح کرد: «هرگونه اقدام در زمینه واگذاری و اجاره مزارع پرورش میگو در محدوده ژئوپارک، فاقد وجاهت قانونی است و دستگاه قضایی با جدیت با متخلفان برخورد خواهد کرد.»

پیوندی میان طبیعت، فرهنگ و توسعه پایدار

ژئوپارک‌ها قلمروهایی با ارزش‌های زمین‌شناسی منحصربه‌فرد هستند که نقش مهمی در حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی، ترویج آموزش زمین‌شناسی و تحقق توسعه پایدار محلی ایفا می‌کنند. این مناطق بستر تلاقی علم، فرهنگ، گردشگری و اقتصاد بومی‌اند. جایی که حفاظت از منابع طبیعی و توانمندسازی جوامع محلی در اولویت قرار دارد.

جایگاه ژئوپارک قشم در خاورمیانه

ژئوپارک قشم نخستین ژئوپارک ثبت‌شده ایران و خاورمیانه در شبکه جهانی یونسکو است. این منطقه به‌دلیل پدیده‌های زمین‌شناسی کم‌نظیر خود ظرفیت بالایی برای حفاظت و توسعه پایدار دارد. با این حال، در سال ۲۰۱۲ به علت ضعف در ساختار مدیریتی، مشارکت محدود جامعه محلی و نارسایی در تعاملات بین‌المللی از فهرست جهانی خارج شد. رخدادی که نه تنها به اعتبار ملی و بین‌المللی ایران لطمه زد، بلکه اعتماد جامعه محلی را نیز متزلزل ساخت. بازگشت ژئوپارک قشم به فهرست یونسکو در سال ۲۰۱۷ نتیجه اصلاحات مدیریتی و بازنگری در رویکردها بود. دوره‌ای که در آن مشارکت‌محوری و نگاه میان‌رشته‌ای به‌عنوان اساس مدیریت پذیرفته شد.

اهمیت رویکرد مشارکتی در مدیریت ژئوپارک

بازگشت دوباره قشم به شبکه جهانی، تجربه‌ای ارزشمند برای مدیران و سیاست‌گذاران به همراه داشت. یکی از ویژگی‌های اصلی مدیریت ژئوپارک، اتکا به مدل «مدیریت از پایین به بالا» است. مدلی که مشارکت واقعی جامعه محلی را در تصمیم‌گیری و اجرا ضروری می‌داند. این رویکرد، هم حس تعلق و مسئولیت‌پذیری ساکنان را تقویت می‌کند و هم تضمین می‌دهد که حفاظت از محیط زیست، توسعه گردشگری و ارتقای اقتصاد محلی با نیازها و ظرفیت‌های واقعی جامعه هماهنگ باشد.

از سال ۲۰۱۷ تا پیش از تغییرات اخیر، در سطح مدیریت ارشد منطقه آزاد قشم این درک وجود داشت که موفقیت بلندمدت ژئوپارک تنها زمانی تضمین می‌شود که میان حفاظت محیط طبیعی، توسعه اقتصادی محلی و مشارکت فعال جوامع، تعادل برقرار باشد. اما امروز نشانه‌هایی از غفلت یا بی‌توجهی به این اصل بنیادین دیده می‌شود.

ژئوپارک علاوه بر این که مجموعه‌ای از مناظر چشم‌نواز زمین‌شناسی است، ابزاری برای توانمندسازی جوامع محلی، حفاظت از محیط زیست، ترویج آموزش و تقویت گردشگری پایدار به شمار می‌رود.

برخورد قانونی با متجاوزان به میراث طبیعی

حالا عبدالرزاق نریمانی، دادستان قشم، سازوکاری که برای برخورد قانونی با متجاوزان به میراث طبیعی فراهم آورده است و در همین رابطه با بیان اینکه دستگاه قضایی اجازه نخواهد داد منافع کوتاه‌مدت اقتصادی آینده زیست‌محیطی جزیره را تهدید کند، اظهار کرده که:«ژئوپارک قشم خط قرمز توسعه‌های ناپایدار است و هیچ نهاد یا شخصی حق ندارد این سرمایه ملی را قربانی منافع محدود کند.» به گفته او، دادستانی قشم با قاطعیت از هرگونه دست‌اندازی به مناطق حفاظت‌شده جلوگیری کرده و متخلفان را تحت پیگرد قرار خواهد داد.

همگرایی نهادی برای صیانت از ژئوپارک

در نامه رسمی دادستان شهرستان قشم، دستگاه‌هایی همچون مدیریت امور اراضی، جهاد کشاورزی استان هرمزگان، اداره شیلات و مدیریت ژئوپارک سازمان منطقه آزاد قشم به‌طور رسمی از ممنوعیت یادشده مطلع شده‌اند. نریمانی تأکید کرد: «حفاظت از ژئوپارک جهانی قشم نیازمند همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی است و این دستور می‌تواند نقطه عطفی در همگرایی نهادی برای صیانت از این میراث جهانی باشد.»

تصمیم اخیر دادستانی قشم حاوی یک پیام قاطع به همه ذی‌نفعان است. این که ژئوپارک جهانی قشم مرز قرمز توسعه‌های ناسازگار با محیط زیست است. این اقدام می‌تواند الگویی برای دیگر مناطق کشور باشد که در معرض تهدید فعالیت‌های اقتصادی مخرب قرار دارند.

گزارش

در نشست علمی- فرهنگی اسطوره و ایران مطرح شد

ایران نمی‌میرد

گالری دیدار میزبان نشست علمی-فرهنگی «اسطوره و ایران» بود. نشستی که به همت موسسه فرهنگی هنری چارسو و آکادمی شمسه و با همکاری انجمن علمی هنر و ادبیات تطبیقی برگزار شد. در این محفل فرهیختگان، دکتر ژاله آموزگار، استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایرانی، دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، اسطوره‌شناس و دکتر بهمن نامورمطلق، نشانه‌شناس، سخنرانی کردند و مدیریت جلسه بر عهده مهدی انصاری، پژوهشگر فلسفه و مدیر آکادمی شمسه بود.

ژاله آموزگار، سخنران نخست نشست، با بیان جمله‌ای پرانرژی و امیدوارکننده گفت: «هرگاه به اوج ناامیدی می‌رسم و در این محافل شرکت می‌کنم، با خود می‌گویم ایران نمی‌میرد.» آموزگار با اشاره به اهمیت حفظ هویت فرهنگی و اساطیری ایران افزود: «این جمع فرهیخته نشان می‌دهد که ایران نخواهد مُرد.» او سپس به ماهیت اسطوره و جایگاه آن در جوامع انسانی پرداخت و گفت: «اسطوره واقعیتی پیچیده است که به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است. اسطوره کوششی تخیلی و پیشاعلمی برای توضیح هر پدیده‌ای، خواه واقعی و خواه خیالی، است.»

آموزگار به تفاوت‌های میان اسطوره، افسانه و حماسه نیز اشاره کرد و تأکید کرد که اسطوره سامانه‌ای جهان‌شناختی است، در حالی که افسانه بی‌سامان و پراکنده و حماسه غالبا قهرمان‌محور است. او افزود: «اسطوره‌ها زمان خاصی را منعکس نمی‌کنند و شخصیت‌های آن‌ها فراسو و مثبت‌نگر هستند، اما منطقی در پس هر روایت اساطیری نهفته است.» آموزگار همچنین به نقش تکرار و سنت شفاهی در حفظ و انتقال اسطوره‌ها اشاره کرد و گفت: «تکرار، گویی شست‌وشوی مغزی است؛ هر چیزی که تکرار می‌شود، باورپذیر می‌گردد.»

در ادامه دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور به اهمیت اسطوره در هویت ایرانی پرداخت و بیان کرد: «خود ایران اسطوره است و مردم ایران با اسطوره گره‌ای ریشه‌ای دارند.» او با مرور تاریخ پنج‌هزار ساله ایران و تأثیرات فرهنگ عیلامی، میترا و زرتشت، بنیان اساطیری ایرانی را روشن کرد و درونمایه کلیدی اسطوره ایرانی را تقابل خیر و شر دانست. اسماعیل‌پور افزود: «ایرانی‌ها همیشه دنیای خود را در تضاد میان نور و ظلمت می‌دیدند و این تضاد در حماسه و ادب ایرانی استمرار یافته است.» او با اشاره به شاهنامه، تضاد میان ایران و توران و تقابل پهلوانان نیک و بد را نمونه‌ای از استمرار این بن‌مایه اسطوره‌ای معرفی کرد.

این استاد اسطوره‌شناس همچنین بر نقش اسطوره در زندگی معاصر تأکید کرد: «اگر جوامع مدرن بخواهند ارتباط خود را با اسطوره قطع کنند، زندگی بی‌معنا می‌شود. پرداختن به اسطوره به زندگی معنا می‌دهد و ایرانی با بهره‌مندی از اسطوره‌های پنج‌هزار ساله می‌تواند در جهان قد علم کند.» او افزود که تفاوت اسطوره‌های ایرانی با سایر اساطیر جهان در رسالت‌مدار بودن آن‌ها است و ایرانیان با بهره‌گیری از این میراث می‌توانند خود را بهتر بشناسند و رفتارهای اجتماعی و فردی خود را تحلیل کنند.

بهمن نامورمطلق، سخنران پایانی نشست، بحث را از زاویه نشانه‌شناسی و هویت ایرانی ادامه داد. او پرسید: «ایرانی کیست و ایران چیست؟» و تأکید کرد که پاسخ به این پرسش تنها با شناخت اسطوره‌ها ممکن است. او افزود: «اسطوره‌ها ژرف‌ترین ویژگی‌ها، کشش‌ها، آرزوها و هراس‌های یک قوم را به نمایش می‌گذارند و شناخت آنها، شناخت هویت ایرانی است.» نامورمطلق ویژگی برجسته اسطوره‌شناسی ایرانی را دانایی دانست و توضیح داد که در این سنت، خدایان دانا بر خدایان جنگاور ارجحیت دارند و شخصیت‌هایی چون اورمزد، بهمن، چیستا و دئنا نماد خرد و توانایی در فرهنگ ایرانی هستند.

ورزش

شما هم دعوتید به فستیوال هیجان تیم ملی والیبال ایران

بردبدون سکته ممنوع

سرو قامتان والیبال ایران که رقابت‌های جهانی را با شکست مقابل مصر آغاز کرده بودند، در ادامه پیروزی‌های تلافی جویانه خود، بعد از تیم‌های تونس و فیلیپین، این بار هم صربستان را شکست دادند. به گزارش هفت صبح ورزشی، تیم ملی والیبال ایران در آخرین بازی مرحله یک هشتم نهایی رقابت‌های جهانی والیبال ۲۰۲۵ فیلیپین، با غلبه بر تیم ملی صربستان به مرحله یک چهارم نهایی راه یافت. درست در شرایطی که مردم فیلیپین در اعتراض به فساد اداری حاکم بر این کشور، به خیابان‌های مانیل ریخته‌اند، رقابت‌های جهانی والیبال به میزبانی فیلیپین در حال برگزاری است و روز به روز هم جذاب‌تر می‌شود. در حالی که پیش از این صعود تیم‌های ملی ترکیه (با کواچ سرمربی اسبق تیم ملی ایران)، لهستان، ایتالیا، بلژیک، بلغارستان و آمریکا به مرحله یک چهارم نهایی قطعی شده بود، در آخرین روز رقابت‌های مرحله یک هشتم نهایی، ابتدا جمهوری چک به راحتی از سد تونس گذشت و سپس تیم‌های ملی ایران و صربستان در آخرین بازی یک هشتم به مصاف هم رفتند. تیم ملی ایران ست‌های اول و سوم را به صربستان واگذار کرد اما در ست‌های دوم و چهارم به پیروزی رسید تا کار به رالی ست پنجم کشیده شود و در این دست تعیین کننده، ایران با نتیجه ۱۵ بر ۱۰ از سد صربستان گذشت و راهی مرحله یک چهارم نهایی شد تا حالا برای حضور در نیمه نهایی با جمهوری چک روبه‌رو شود. ایران پیش از این در تقابل با فیلیپین هم والیبال دوستان را تا مرز سکته برده بود و این بار هم همین فستیوال هیجان را در تقابل با صربستان تکرار کرد. حالا باید منتظر بازی پنجشنبه ایران و چک باشیم. شما هم به این فستیوال هیجان انگیز دعوت هستید!

هفت‌صبح از بازار لوازم جانبی موبایل گزارش می‌دهد

بازار بی‌مرز لوازم جانبی موبایل

گروه اقتصادی | در سال‌های اخیر، بازار لوازم جانبی موبایل در ایران به یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های خرده‌فروشی دیجیتال تبدیل شده است. محصولاتی مانند شارژر، هندزفری، قاب و محافظ صفحه که روزگاری به‌عنوان اقلام جانبی ساده شناخته می‌شدند، امروز به منبعی از دغدغه‌های فنی، اقتصادی و حتی امنیتی برای مصرف‌کنندگان بدل شده‌اند. عرضه گسترده کالاهای تقلبی با برچسب «اصل»، در غیاب نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر، نه‌تنها عمر دستگاه‌های هوشمند را کاهش می‌دهد، بلکه خسارت‌های میلیونی و بعضا جبران‌ناپذیر به کاربران تحمیل می‌کند. با خروج نمایندگی‌های رسمی برندهای موبایل از ایران پس از سال ۱۳۹۷، خلأ قانونی و ساختاری در حوزه فروش لوازم جانبی به‌وجود آمد. این خلأ، زمینه‌ساز رشد فروشگاه‌های غیررسمی و عرضه محصولاتی شد که از نظر ظاهری مشابه نمونه‌های اصلی هستند، اما در عمل فاقد کیفیت، ایمنی و استانداردهای لازم‌اند. تفاوت میان کالای اصل و تقلبی به‌قدری جزئی است که بدون دانش فنی، تشخیص آن برای خریداران تقریبا غیرممکن است. این مسئله، حتی در فروشگاه‌های شناخته‌شده نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که گاهی فروشنده خود نیز از تقلبی بودن کالا بی‌اطلاع است.

تقلب در فروش آنلاین لوازم جانبی موبایل

در بازار آنلاین نیز وضعیت نگران‌کننده‌تر است. تصاویر کالاها اغلب از نمونه‌های اصلی برداشته شده‌اند، اما محصول ارسالی کیفیتی پایین یا ساختگی دارد. استفاده از لوگوهای جعلی، بسته‌بندی مشابه برندهای معتبر و ارائه گارانتی‌های غیرقانونی، از جمله روش‌هایی هستند که برخی فروشندگان برای فریب خریداران به‌کار می‌گیرند. این شرایط، ضرورت نظارت فوری و هدفمند بر فروش آنلاین لوازم جانبی را دوچندان کرده است؛ وظیفه‌ای که باید در دستور کار اتحادیه صنفی و انجمن واردکنندگان قرار گیرد.

تجربه‌های کاربران نیز گویای عمق بحران است. یکی از خریداران، پس از تهیه شارژری با برچسب «اصل»، با داغ شدن گوشی و خرابی باتری مواجه شده و در مراجعه به فروشنده با پاسخ «تضمینی ندارد» روبه‌رو شد. این تجربه که در میان کاربران به‌وفور تکرار می‌شود، نشان‌دهنده نبود ضمانت اجرایی، ضعف نظارت و فقدان سازوکارهای حمایتی برای مصرف‌کنندگان است.

فعالان بازار معتقدند که یکی از دلایل اصلی این بحران، نبود آگاهی کافی در میان مصرف‌کنندگان است. بسیاری از کاربران نمی‌دانند چه نشانه‌هایی اصالت کالا را تأیید می‌کند و به‌راحتی فریب تبلیغات و بسته‌بندی می‌خورند. از سوی دیگر، نبود مجازات‌های بازدارنده و ضعف در اجرای مقررات باعث شده فروشندگان متخلف با کمترین ریسک به فعالیت خود ادامه دهند.

واردات کالاهای ته‌لنجی نیز به‌عنوان یکی از مسیرهای تأمین، با وجود نظارت نسبی، همچنان فاقد شفافیت کامل است. هرچند مسئولان معتقدند که واردات از این مسیر نسبت به قاچاق قابل کنترل‌تر است، اما همچنان نمی‌توان از اصالت کالاها اطمینان کامل داشت. در چنین شرایطی، بازگشایی مجدد نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر و ایجاد بستر قانونی برای فروش رسمی، تنها راهکار پایدار برای ساماندهی این بازار به‌شمار می‌رود.

فروش لوازم جانبی موبایل صرفا از طریق نمایندگی‌های مجاز

در کشورهای توسعه‌یافته، فروش لوازم جانبی موبایل صرفا از طریق نمایندگی‌های مجاز انجام می‌شود. اما در ایران، به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری، این مسیر مسدود شده و برخی اصناف با سوءاستفاده از نام برندهای معتبر، خود را به‌عنوان نماینده رسمی معرفی می‌کنند. این ادعاها، در غیاب نظارت موثر، موجب گسترش فریب مصرف‌کننده و تضعیف اعتماد عمومی شده‌اند.

به نظر می‌رسد که اتحادیه‌های صنفی باید با معرفی فروشندگان رسمی، ایجاد سامانه‌های اعتبارسنجی و برخورد قاطع با اصناف متخلف، مسیر اصلاح بازار لوازم جانبی موبایل را هموار کنند. این اصلاحات، نه‌تنها از خسارت‌های مالی و فنی جلوگیری می‌کند، بلکه گامی مهم در جهت ارتقاء حقوق مصرف‌کننده و بازسازی اعتماد عمومی خواهد بود.

ارزش بازار، سهم قاچاق و مبادی تأمین؛ لوازم جانبی موبایل زیر ذره‌بین ساختار تجارت ایران

برآوردها نشان می‌دهد که ارزش بازار لوازم جانبی موبایل در ایران در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۲.۴ میلیارد دلار رسیده است. این رقم، با توجه به رشد مصرف گوشی‌های هوشمند، افزایش قیمت دستگاه‌ها و حذف برخی اقلام از بسته‌بندی رسمی برندها (مانند شارژر و هندزفری)، روندی صعودی را طی کرده و به یکی از سودآورترین حوزه‌های تجارت الکترونیک و خرده‌فروشی تبدیل شده است.

با وجود اجرای طرح رجیستری در حوزه تلفن همراه و کاهش چشمگیر قاچاق گوشی، بازار لوازم جانبی همچنان با سهم قابل توجهی از واردات غیررسمی و قاچاق مواجه است. برآوردهای صنفی نشان می‌دهد که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از لوازم جانبی موجود در بازار از مسیرهای غیررسمی مانند ته‌لنجی، مرزهای جنوبی و واردات بدون ثبت گمرکی تأمین می‌شوند. این کالاها اغلب فاقد استانداردهای ایمنی و بهداشتی بوده و در غیاب نظارت موثر، سلامت مصرف‌کننده و عملکرد دستگاه را تهدید می‌کنند.

در مقابل، حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از بازار از طریق واردات رسمی تأمین می‌شود که عمدتا با تخصیص ارز نیمایی و ثبت در سامانه‌های گمرکی انجام می‌گیرد. بازرگانان ایرانی برای تأمین این کالاها، به‌ویژه پس از خروج برندهای معتبر از ایران، به تأمین‌کنندگان آسیایی روی آورده‌اند. چین بزرگ‌ترین صادرکننده لوازم جانبی موبایل به ایران است و برندهای محبوبی مانند شیائومی و هوآوی از این کشور وارد می‌شوند. پس از چین، امارات متحده عربی (به‌ویژه دبی) به‌عنوان هاب منطقه‌ای، نقش واسطه‌ای در تأمین کالاهای برندهای غربی ایفا می‌کند. همچنین ترکیه، کره جنوبی و هند نیز در سال‌های اخیر سهم قابل توجهی در صادرات این محصولات به ایران داشته‌اند.

در کنار واردات، بخش قابل توجهی از بازار توسط شرکت‌های غیرمجاز داخلی تأمین می‌شود. این شرکت‌ها، بدون مجوز رسمی از وزارت صمت یا اتحادیه‌های صنفی، اقدام به مونتاژ یا تولید لوازم جانبی با کیفیت پایین و بسته‌بندی‌های شبه‌برند می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد که ده‌ها واحد تولیدی غیررسمی در حاشیه شهرهای بزرگ مانند تهران، کرج و مشهد فعال هستند که محصولاتشان عمدتا از قطعات وارداتی بی‌کیفیت یا بازیافتی تهیه می‌شود. این تولیدات نه‌تنها فاقد استانداردهای فنی‌اند، بلکه با برچسب‌های جعلی و گارانتی‌های صوری وارد بازار می‌شوند و رقابت ناسالمی با تولیدکنندگان مجاز و واردکنندگان رسمی ایجاد کرده‌اند.

در مجموع، بازار لوازم جانبی موبایل ایران با وجود ظرفیت بالا و تقاضای گسترده، همچنان با چالش‌هایی جدی در حوزه اصالت کالا، نظارت و ساماندهی زنجیره تأمین مواجه است. برای رسیدن به نقطه تعادل، لازم است نهادهای صنفی و دولتی با معرفی فروشندگان رسمی، ایجاد سامانه‌های اعتبارسنجی و برخورد با واحدهای متخلف، مسیر اصلاح ساختاری این بازار را هموار کنند. تنها در این صورت است که می‌توان از ظرفیت اقتصادی این حوزه در جهت منافع مصرف‌کننده، تولیدکننده و اقتصاد ملی بهره‌برداری کرد.

بازار لوازم جانبی موبایل در ایران با گردش مالی بیش از ۲.۴ میلیارد دلار، به یکی از سودآورترین و در عین حال پرریسک‌ترین حوزه‌های خرده‌فروشی تبدیل شده است. خروج نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر، رشد فروشگاه‌های غیررسمی و عرضه گسترده کالاهای تقلبی، موجب سردرگمی مصرف‌کنندگان و تحمیل خسارت‌های فنی و مالی شده است. در غیاب نظارت موثر و مجازات‌های بازدارنده، فروشندگان متخلف با کمترین ریسک فعالیت می‌کنند. اصلاح این بازار نیازمند بازگشت نمایندگی‌های رسمی، اعتبارسنجی فروشندگان و برخورد ساختاری با تولیدکنندگان غیرمجاز داخلی است.

تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری، مسیر واردات لوازم جانبی موبایل ایران را از اروپا به آسیا تغییر داده‌اند. چین، امارات، ترکیه و هند اکنون اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان این بازار هستند. با وجود واردات رسمی، حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از کالاها از مسیرهای غیررسمی مانند ته‌لنجی و قاچاق وارد می‌شوند. هم‌زمان، ده‌ها واحد تولیدی غیرمجاز داخلی با مونتاژ قطعات بی‌کیفیت، بازار را با محصولات شبه‌برند اشباع کرده‌اند. این شرایط، ضمن تهدید سلامت مصرف‌کننده، رقابت سالم را مختل کرده و نیازمند مداخله فوری نهادهای صنفی و دولتی است.

گزارش

کارورزی در سایه رکود

فرصت تازه یا تهدید پنهان برای بازار کار؟

گروه اقتصادی | در حالی که بنگاه‌های اقتصادی با فشار رکود و افزایش هزینه‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، طرح کارورزی و مشوق بیمه‌ای کارفرمایی به‌عنوان راهکاری برای جذب نیروی ارزان‌قیمت در شهرستان‌های استان تهران آغاز شده است. این طرح اگرچه با هدف ارتقای مهارت فارغ‌التحصیلان و تسهیل ورود آنان به بازار کار طراحی شده اما در غیاب نظارت مؤثر، می‌تواند به ابزاری برای جایگزینی نیروهای رسمی و تعمیق بی‌ثباتی شغلی بدل شود، به‌ویژه در شرایطی که پس از جنگ ۱۲ روزه، موج تعدیل نیرو در بسیاری از بنگاه‌ها شدت گرفته است.

در شرایطی که رکود اقتصادی و افزایش هزینه‌های تولید، بنگاه‌های اقتصادی را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده، جذب کارورز به‌عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت به یکی از گزینه‌های محبوب کارفرمایان تبدیل شده است. طرح‌های دولتی مانند کارورزی و مشوق بیمه‌ای کارفرمایی، با هدف تسهیل ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار طراحی شده‌اند اما در عمل می‌توانند به ابزاری برای جایگزینی نیروهای رسمی و کاهش تعهدات کارفرما بدل شوند.

این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که پس از جنگ ۱۲روزه و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، بسیاری از بنگاه‌ها به تعدیل نیرو روی آوردند و اکنون با جذب کارورزان، مسیر تازه‌ای برای کاهش هزینه‌ها یافته‌اند، مسیری که اگر بدون نظارت دقیق دنبال شود، می‌تواند امنیت شغلی نیروهای باسابقه را تهدید کند و به تعمیق بی‌ثباتی در بازار کار بینجامد. با آغاز اجرای طرح کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی و مشوق بیمه‌ای کارفرمایی در شهرستان‌های استان تهران (به‌جز کلانشهر تهران)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تلاش دارد تا یکی از مهم‌ترین شکاف‌های بازار کار ایران را هدف‌گذاری کند: فاصله میان مهارت‌های دانشگاهی و نیازهای واقعی بنگاه‌های اقتصادی.

این طرح که از ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ به‌طور رسمی آغاز شده، دو محور اصلی دارد؛ اول، فراهم‌سازی بستر تجربه‌آموزی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در محیط‌های واقعی کار. دوم، ارائه مشوق‌های بیمه‌ای به کارفرمایانی که این کارورزان را جذب کنند. براساس اعلام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران، دوره کارورزی حداکثر سه ماهه خواهد بود و در پایان آن، کمک‌هزینه‌ای متناسب با مدت حضور کارورز در کارگاه پرداخت می‌شود. از سوی دیگر، کارفرمایانی که در چارچوب این طرح اقدام به جذب کارورز کنند، از معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا سقف دو سال برخوردار خواهند شد. این مشوق، معادل ۲۰درصد حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است و توسط دستگاه هماهنگ‌کننده به حساب کارفرما واریز می‌شود. البته این امتیاز تنها برای کارگاه‌های واقع در شهرستان‌های استان تهران (غیر از شهر تهران) قابل اعمال است.

کارشناسان حوزه اشتغال، این طرح را یکی از سیاست‌های فعال و هدفمند بازار کار می‌دانند که به‌طور همزمان به دو سوی عرضه و تقاضا توجه دارد. از یک‌سو، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با ورود به محیط‌های کاری واقعی، مهارت‌های عملی و تجربه لازم برای اشتغال پایدار را کسب می‌کنند. از سوی دیگر، کارفرمایان با کاهش هزینه‌های جذب نیروی جدید، انگیزه بیشتری برای به‌کارگیری جوانان خواهند داشت.

شرایط بهره‌مندی از این طرح نیز به‌گونه‌ای طراحی شده که تمرکز آن بر جوانان جویای کار باشد؛ داشتن مدرک کارشناسی یا بالاتر، سن زیر ۳۵سال و برای مردان، داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت نظام وظیفه. این شروط، نشان‌دهنده تمرکز دولت بر گروه‌های آسیب‌پذیرتر بازار کار است.

در کنار این اقدامات، وزارت کار وعده داده که سامانه‌های فعال بازار کار نیز تا پایان مردادماه به‌روزرسانی شده و امکان ثبت درخواست برای کارجویان فراهم خواهد شد. این سیاست‌های حمایتی و زیرساخت‌های اجرایی، می‌تواند به تحرک‌بخشی جدی در بازار کار مناطق غیرکلانشهری که تازه فارغ‌التحصیل شده‌اند منجر شود و در نهایت، اجرای همزمان طرح کارورزی و مشوق بیمه‌ای، گامی عملی در جهت حمایت از اشتغال شغل‌اولی‌ها، کاهش بیکاری فارغ‌التحصیلان و تقویت پیوند میان دانشگاه و صنعت است، مسئله‌ای که سال‌هاست به‌عنوان یکی از چالش‌های بنیادین بازار کار ایران شناخته می‌شود. اما نباید نادیده گرفت که همین طرح می‌تواند شمشیر دولبه‌ای برای شاغلان کنونی باشد که در بنگاه‌های تحت فشار هزینه‌ها مشغول هستند.

نکته

ردپای تحریم‌های مالی و ریسک‌های ژئوپلیتیکی، بازار پرریسک رمزارزها را به چالش کشید

جنگ سرد روی بلاک‌چین

فریز دارایی‌های دیجیتال نشان داد که تمرکز روی یک استیبل‌کوین می‌تواند ریسک بزرگی برای سرمایه‌ها ایجاد کند

گروه اقتصادی | در سال‌های اخیر، با گسترش تحریم‌های مالی و محدودیت‌های بانکی، بخش قابل توجهی از سرمایه ایرانیان به بازار رمزارزها مهاجرت کرده است. برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانی در قالب دارایی‌های دیجیتال در صرافی‌های خارجی و کیف‌پول‌های شخصی نگهداری می‌شود. این روند، رمزارز را به یکی از مسیرهای اصلی حفظ ارزش دارایی و انتقال پول برای ایرانیان تبدیل کرده است. اما همزمان با رشد این بازار، ریسک‌های حقوقی و سیاسی نیز افزایش یافته‌اند؛ ریسک‌هایی که حالا با انتشار خبر مسدودسازی کیف‌پول‌های تتر، بار دیگر خود را به رخ کشیده‌اند.

انتشار خبری مبنی بر مسدود شدن ۱۸۷ کیف‌پول رمزارزی و بلوکه شدن ۱.۵ میلیارد دلار تتر، موجی از نگرانی را در میان فعالان بازار رمزارز ایران ایجاد کرد. این خبر که ابتدا توسط یکی از رسانه‌های داخلی منتشر شد، به سرعت در فضای مجازی دست‌به‌دست شد و بسیاری از کاربران را نسبت به امنیت دارایی‌های دیجیتال خود نگران کرد.

اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که اصل ماجرا با آنچه در ابتدا منتشر شد تفاوت‌های قابل توجهی دارد. بر اساس دستور رسمی شماره ۴۳-۲۵ که در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵ توسط یک نهاد امنیتی منتسب به رژیم صهیونیستی صادر شده، ۱۸۷ آدرس رمزارزی — عمدتا در شبکه‌های ترون و اتریوم — به‌عنوان آدرس‌های مشکوک شناسایی و در فهرست مسدودسازی قرار گرفتند. مجموع تراکنش‌های ورودی به این آدرس‌ها طی یک سال گذشته حدود ۱.۵ میلیارد دلار بوده، اما این رقم به گردش مالی اشاره دارد، نه موجودی فعلی.

شرکت تحلیل بلاک‌چین Elliptic، مستقر در لندن، پس از بررسی داده‌ها، تأیید کرد که رقم واقعی دارایی‌های فریز شده توسط شرکت Tether حدود ۱.۵ میلیون دلار است و تنها ۳۹ آدرس از مجموع ۱۸۷ آدرس مسدود شده‌اند. این تفاوت فاحش میان عدد اولیه و رقم واقعی، نشان می‌دهد که بخشی از نگرانی‌ها ناشی از برداشت نادرست از داده‌های بلاک‌چین بوده است.

هم‌زمانی این اقدام با اعلام تحریم‌های جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه چند فرد و شرکت مرتبط با ایران، نشان می‌دهد که فضای رمزارز نیز از فشارهای ژئوپلیتیکی در امان نیست. برخلاف تصور رایج، دنیای رمزارزها به‌رغم ماهیت غیرمتمرکز خود، در برابر ابزارهای نظارتی و قضایی بین‌المللی آسیب‌پذیر است و می‌تواند در لحظه، تحت تأثیر تصمیمات سیاسی قرار گیرد.

هشدار جدی برای سرمایه‌گذاران ایرانی در بازار رمزارز

این رویداد یک هشدار جدی برای سرمایه‌گذاران ایرانی در بازار رمزارز است: ریسک‌های این بازار صرفا محدود به نوسانات قیمت نیست، بلکه تهدیدهای حقوقی، تحریمی و امنیتی نیز می‌توانند دارایی‌ها را در معرض خطر قرار دهند. در شرایطی که بسیاری از ایرانیان رمزارز را به‌عنوان پناهگاه سرمایه انتخاب کرده‌اند، ضرورت دارد که نگاه حرفه‌ای‌تری به امنیت کیف‌پول‌ها، انتخاب شبکه‌ها و نحوه تعامل با صرافی‌ها داشته باشند.

در نهایت، آنچه از ماجرای اخیر می‌توان آموخت، این است که رمزارزها اگرچه ابزار آزادی مالی هستند، اما در فضای تحریمی و پرتنش بین‌المللی، به‌راحتی می‌توانند به ابزار فشار تبدیل شوند. حفظ دارایی دیجیتال، نیازمند آگاهی، احتیاط و درک دقیق از ریسک‌های فراتر از بازار است.

در شرایطی که بازار تتر (USDT) با ریسک‌های حقوقی و تحریمی مواجه شود، سرمایه‌گذاران به‌ویژه در کشورهای تحت فشار مالی مانند ایران، ناگزیر به جست‌وجوی جایگزین‌های امن‌تر خواهند بود. تجربه‌های مشابه در سال‌های گذشته نشان داده که در چنین مواقعی، جریان سرمایه به‌سرعت مسیر خود را تغییر می‌دهد و به سمت بازارهایی با نقدشوندگی بالا، ثبات نسبی و قابلیت پوشش ریسک حرکت می‌کند.

مقصد احتمالی دلارهای ایرانی کجا خواهد بود؟

نخستین مقصد احتمالی، سایر استیبل‌کوین‌ها هستند؛ به‌ویژه آن‌هایی که از نظر ساختار حقوقی و مدل انتشار، وابستگی کمتری به نهادهای آمریکایی یا غربی دارند. گزینه‌هایی مانند USDC، DAI یا حتی استیبل‌کوین‌های منطقه‌ای مانند CNYT (وابسته به یوآن چین) می‌توانند بخشی از این تقاضا را جذب کنند، البته به شرط آن‌که در صرافی‌های معتبر و با حجم معاملات قابل قبول در دسترس باشند.

دومین مسیر، ورود سرمایه به بازار طلای دیجیتال و صندوق‌های مبتنی بر طلاست. در ماه‌های اخیر، صندوق‌های طلا در بازارهای داخلی و بین‌المللی رشد قابل توجهی داشته‌اند و با توجه به ماهیت ضدتورمی و غیرسیاسی طلا، می‌توانند مأمن جدیدی برای سرمایه‌های رمزارزی باشند که از تتر خارج می‌شوند.

سومین گزینه، بازگشت بخشی از سرمایه به بازار ارزهای پایه مانند بیت‌کوین و اتریوم است. اگرچه این دارایی‌ها نوسان‌پذیرترند، اما به دلیل غیرمتمرکز بودن و عدم وابستگی به نهادهای متمرکز، در شرایط تحریمی و پرریسک، جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران پیدا می‌کنند.

چهارمین مسیر، ورود سرمایه به بازارهای درآمد ثابت و اوراق بهادار با پشتوانه رمزارزی است. برخی پلتفرم‌ها امکان سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه یا صندوق‌های درآمد ثابت با پشتوانه رمزارز را فراهم کرده‌اند که می‌تواند برای سرمایه‌گذاران محتاط، جایگزینی قابل قبول باشد.

در نهایت، اگر ریسک تتر به سطحی برسد که اعتماد عمومی به آن آسیب جدی ببیند، احتمال شکل‌گیری موج جدیدی از مهاجرت سرمایه به سمت دارایی‌های فیزیکی مانند طلا، ارز نقدی یا حتی املاک نیز وجود دارد؛ به‌ویژه در کشورهایی که تجربه بی‌ثباتی مالی داشته‌اند و سرمایه‌گذاران به‌دنبال حفظ اصل سرمایه هستند، نه صرفا بازدهی.

به‌طور خلاصه، اگر بازار تتر دچار بحران شود، سرمایه‌های آن به سمت دارایی‌هایی با ویژگی‌های زیر حرکت خواهند کرد: نقدشوندگی بالا، ریسک حقوقی پایین، قابلیت پوشش تورم و استقلال از ساختارهای تحریمی غرب. این جابه‌جایی نه‌تنها بر بازار رمزارز، بلکه بر کل اکوسیستم مالی غیرمتمرکز تأثیرگذار خواهد بود.

اروپا و آمریکا در پی شفافیت بیشتر، ایران در پی تضمین امنیت ملی؛ دو نگاه در یک میدان حساس

نقطه جوش دیپلماسی در نیویورک

بازگشت تحریم‌ها عملا همکاری‌های فنی را محدود می‌کند و راه را برای تنش‌های جدید هموار می‌سازد

حسین فاطمی
هفت صبح

پیش از ظهر سه‌شنبه، دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، عازم نیویورک شد تا در هشتادمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل حضور یابد؛ سفری که در یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست خارجی کشور صورت می‌گیرد. در حالی که تنها چند روز تا بازگشت تحریم‌های سازمان ملل باقی مانده است، فضای دیپلماسی ایران در آستانه تحولات تعیین‌کننده‌ای قرار گرفته است. گزارش وال‌استریت ژورنال از دیدار احتمالی عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با همتایان اروپایی خود در روز چهارشنبه، نشان می‌دهد که موضوع مذاکرات هسته‌ای و سرنوشت برجام، بار دیگر در صدر دستور کار روابط ایران با غرب قرار گرفته است. از سوی دیگر، اظهارات اخیر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره آینده همکاری‌های ایران و آژانس، بر اهمیت این سفر افزوده است. گروسی تأکید کرده است که اگرچه سازوکار اسنپ‌بک تأثیرات سنگینی بر اقتصاد و روابط سیاسی دارد، اما همکاری فنی میان ایران و آژانس باید ادامه یابد. در چنین شرایطی، سفر رئیس‌جمهور ایران می‌تواند فرصتی برای بازتعریف مواضع تهران در برابر تحولات حساس هسته‌ای و تلاش برای جلوگیری از ورود بحران به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت باشد.

تمایز میان اسنپ‌بک و همکاری ایران با آژانس

برخلاف تلاش رافائل گروسی برای ایجاد تمایز میان تأثیرات فعال‌سازی اسنپ‌بک و روابط فنی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، واقعیت‌های میدانی و روندهای سیاسی نشان می‌دهد که چنین مرزبندی روشنی عملا امکان‌پذیر نیست. گروسی در گفت‌وگوی اخیر خود با الجزیره تأکید کرد که همکاری فنی ایران و آژانس باید از تحولات سیاسی و بازگشت احتمالی تحریم‌های شورای امنیت جدا بماند، اما تجربه‌های پیشین و تصمیمات اخیر تهران دقیقا عکس این ادعا را ثابت می‌کنند.

تصمیم شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در روز شنبه گذشته مبنی بر تعلیق بخشی از همکاری‌های داوطلبانه با آژانس، پس از ناکامی در جلوگیری از تصویب قطعنامه کره جنوبی در شورای حکام، نمونه بارزی است از اینکه رفتار غرب و به‌ویژه تروئیکای اروپایی چگونه می‌تواند مناسبات ایران و آژانس را تحت‌تأثیر قرار دهد. این تصمیم پیام روشنی به جامعه بین‌المللی فرستاد که «هرگونه فشار و اقدام تنبیهی، ولو در پوشش حقوقی شورای امنیت، نه‌تنها فضا را برای ادامه همکاری‌های فنی محدود می‌کند، بلکه به‌طور مستقیم بر معادلات هسته‌ای و دیپلماتیک ایران نیز سایه می‌اندازد.»

به بیان دیگر، در شرایطی که مکانیسم ماشه در حال بازگشت است و خطر فعال شدن کامل تحریم‌ها در افق سیاسی ایران دیده می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که تهران همکاری‌های گسترده و بدون قیدوشرطی را با آژانس ادامه دهد. درست است که ایران خروج از معاهده NPT را در دستور کار قرار نداده، اما توقف یا محدودسازی همکاری‌ها با آژانس می‌تواند نخستین گام در جهت بازنگری جدی در سطح تعهدات بین‌المللی باشد؛ اقدامی که در واکنش به رفتارهای مخرب غرب قابل تصور است. از این منظر، تأکید گروسی بر ضرورت تداوم همکاری‌های فنی، بدون در نظر گرفتن تبعات سیاسی و امنیتی اقدامات غرب، بیشتر شبیه یک آرزوی زیاده‌خواهانه است تا یک واقعیت عملی. ایران نشان داده که در مواجهه با فشارهای یک‌جانبه، از ابزارهای حقوقی و فنی خود برای ارسال پیام‌های بازدارنده استفاده می‌کند. بنابراین، هرگونه بازگشت تحریم‌ها یا قطعنامه‌های الزام‌آور، خواه‌ناخواه بر روابط ایران و آژانس تأثیر مستقیم خواهد گذاشت و معادله‌ای دوطرفه ایجاد می‌کند: کاهش فشارهای سیاسی می‌تواند همکاری‌های فنی را تقویت کند و بالعکس، تشدید فشارها این همکاری‌ها را به حداقل ممکن خواهد رساند.

> برخلاف تلاش رافائل گروسی برای ایجاد تمایز میان تأثیرات فعال‌سازی اسنپ‌بک و روابط فنی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، واقعیت‌های میدانی و روندهای سیاسی نشان می‌دهد که چنین مرزبندی روشنی عملا امکان‌پذیر نیست

ضرورت بازگشت به همکاری‌های فنی پس از حملات به تأسیسات هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان گروسی، اشاره او به حملات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و تأثیر آن بر بازرسی‌ها بود. او تأکید کرد که این حملات نه‌تنها زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را تخریب کرده، بلکه روند همکاری‌های فنی و بازرسی‌های آژانس را نیز مختل ساخته است. به گفته گروسی، اکنون باید راهی برای بازگشت به شرایط قبل از این حملات پیدا شود، چرا که ادامه نظارت‌های فنی برای حفظ شفافیت و جلوگیری از تشدید بحران ضروری است. این اظهارات اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در فضای کنونی، برخی کشورها تلاش دارند تا مسئولیت تنش‌های هسته‌ای را صرفا متوجه تهران کنند و نقش حملات نظامی در ایجاد بحران را نادیده بگیرند. گروسی با اشاره به این واقعیت، در عمل تأکید می‌کند که بازگشت به میز مذاکرات فنی، بدون توجه به زمینه‌های این بحران ممکن نیست. برای ایران، این سخنان می‌تواند مبنایی برای طرح این استدلال باشد که همکاری‌های هسته‌ای تنها در شرایطی می‌تواند ادامه یابد که امنیت تأسیسات تضمین شود. از سوی دیگر، این موضع گروسی می‌تواند به فشار بر کشورهایی که در این حملات دست داشته‌اند، منجر شود تا مسئولیت پیامدهای اقدامات خود را بپذیرند. در هر صورت، بازسازی اعتماد میان تهران و آژانس، نیازمند برقراری امنیت در کنار گفت‌وگوهای فنی خواهد بود.

> برخلاف تلاش رافائل گروسی برای ایجاد تمایز میان تأثیرات فعال‌سازی اسنپ‌بک و روابط فنی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، واقعیت‌های میدانی و روندهای سیاسی نشان می‌دهد که چنین مرزبندی روشنی عملا امکان‌پذیر نیست

چالش‌های حقوقی و الزامات داخلی ایران

گروسی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد که ایران پس از حملات نظامی و تحولات سیاسی اخیر، قوانینی در داخل کشور تصویب کرده که سازوکارهای جدیدی برای همکاری با آژانس ایجاد می‌کند. این قوانین الزاماتی برای تهران به همراه دارد که ممکن است با تعهدات بین‌المللی این کشور در برخی موارد تداخل پیدا کند. او گفت که باید نشست‌هایی برگزار شود تا این الزامات داخلی با تعهدات بین‌المللی هماهنگ شود، چرا که در غیر این صورت همکاری‌ها با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

این مسئله در واقع به قلب چالش‌های کنونی میان ایران و آژانس اشاره می‌کند؛ از یک سو، ایران بر حق حاکمیتی خود برای تدوین قوانین داخلی تأکید دارد و از سوی دیگر، آژانس می‌خواهد که این اقدامات با تعهدات بین‌المللی تهران در چارچوب NPT مغایرت نداشته باشد. این نقطه تنش می‌تواند به محل مذاکرات حساس و پیچیده تبدیل شود، چرا که ایران هرگونه همکاری را منوط به احترام به قوانین داخلی خود می‌داند و آژانس نیز بر پایبندی تهران به تعهدات بین‌المللی تأکید دارد. یافتن راه‌حلی برای این تعارض حقوقی، کلید پیشرفت در روابط آتی دو طرف خواهد بود.

مسئله اورانیوم غنی‌شده و نگرانی‌های امنیتی

گروسی در بخش دیگری از مصاحبه خود به موضوع حساس اورانیوم غنی‌شده ایران پرداخت. او گفت که بخشی از این ذخایر در تأسیساتی نگهداری می‌شد که در جریان حملات نظامی تخریب شده و حتی مدفون شده‌اند. به گفته گروسی، ایران در این زمینه نگرانی‌های امنیتی جدی دارد، زیرا دسترسی بازرسان به این تأسیسات می‌تواند خطرات جدیدی ایجاد کند.

این موضوع ابعاد بسیار پیچیده‌ای دارد. از یک سو، غرب می‌خواهد درباره میزان و وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران اطلاعات دقیق‌تری داشته باشد و از سوی دیگر، تهران این نگرانی را دارد که هرگونه شفافیت بیش‌ازحد، امنیت ملی‌اش را تهدید کند. گروسی با تأکید بر فنی بودن این موضوع تلاش دارد تا آن را از فضای سیاسی دور نگه دارد و راه‌حلی بیابد که هم نگرانی‌های امنیتی ایران را در نظر بگیرد و هم الزامات بین‌المللی را رعایت کند. برای تهران، این بخش از سخنان گروسی می‌تواند فرصتی باشد تا نشان دهد همکاری‌های هسته‌ای‌اش نه یک تهدید، بلکه در صورت رعایت ملاحظات امنیتی، می‌تواند بخشی از یک روند اعتمادسازی گسترده‌تر باشد. در مجموع، سخنان رافائل گروسی نشان می‌دهد که همه طرف‌ها، از اروپا و آمریکا گرفته تا ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برابر مسیری پیچیده و دشوار قرار دارند. اختلافات حل‌نشده درباره بازرسی‌ها، وضعیت اورانیوم غنی‌شده و الزامات حقوقی ایران از یک سو و فشارهای غرب برای شفاف‌سازی و امتیازگیری بیشتر از سوی دیگر، فضایی تیره و مبهم ایجاد کرده است. در این میان، زمان محدود و ضرب‌الاجل‌های فشرده، امکان هرگونه توافق پایدار را دشوارتر می‌سازد. اظهارات گروسی عملا تأیید می‌کند که بدون رویکردی واقع‌بینانه و تعهد سیاسی جدی از همه طرف‌ها، خطر فروپاشی کامل دیپلماسی هسته‌ای بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. لذا ما در نقطه جوش دیپلماسی هستیم.

گزارش

درگیری‌های دمشق و شرق سوریه بین قسد و دولت الشرع تشدید شده و معادلات امنیتی و سیاسی منطقه را پیچیده کرده است

پازل خونین دمشق

هفت صبح | پس از سقوط نظام سابق سوریه و روی کار آمدن احمد الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید و نماینده آشکار سیاست‌های ترکیه، معادلات امنیتی و سیاسی در شمال و شرق سوریه وارد مرحله‌ای تازه شده است. تحولات اخیر در شرق حلب، به‌ویژه درگیری‌های روستاهای ام‌تینه، تل‌ماعز، علصه و الکیاریه، نقطه اوج تنش میان نیروهای دولت موقت و نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) محسوب می‌شود. هر دو طرف، یکدیگر را به ارتکاب «قتل‌عام» و حملات هدفمند علیه غیرنظامیان متهم کرده‌اند و این جنگ روایت‌ها، ابعاد رسانه‌ای و سیاسی بحران را تشدید کرده است.

بر اساس گزارش‌ها، وزارت دفاع دولت موقت سوریه، قسد را مسئول کامل حملات اخیر معرفی و ادعا کرده که این نیروها با هدف اتهام‌زنی به ارتش سوریه، حتی مناطقی تحت کنترل خودشان را هدف قرار داده‌اند. در مقابل، اداره خودگردان وابسته به قسد، ارتش سوریه و گروه‌های نزدیک به ترکیه را عامل این حملات می‌داند و می‌گوید برخی گروه‌های «جداشده» از ارتش که با حمایت ترکیه در حال فعالیت‌اند، عمدا به دنبال شعله‌ور کردن درگیری‌ها هستند.

این وضعیت در حالی است که توافق ۱۰ مارس میان دمشق و قسد برای ادغام ساختارهای نظامی و امنیتی مناطق شمال‌شرق در ارتش و نهادهای دولتی سوریه، همچنان در بن‌بست قرار دارد. قسد خواهان تداوم خودمختاری و ورود به ارتش به‌عنوان یک بلوک مستقل است، در حالی که دمشق و شخص احمد الشرع، ادغام کامل و بازگشت همه اختیارات به مرکز را شرط اصلی ثبات کشور می‌دانند. همین اختلاف بنیادین باعث شده چهار دور مذاکره به نتیجه نرسد و زمینه برای مداخله بازیگران خارجی، به‌ویژه ترکیه، فراهم شود.

ترکیه؛ بازیگر پشت پرده و معادلات پیچیده امنیتی

بررسی مواضع احمد الشرع، چه در دمشق و چه در محافل بین‌المللی مانند دیدار با دیوید پترائوس در نیویورک، نشان می‌دهد که دولت جدید سوریه آشکارا با رویکرد و منافع ترکیه در شمال سوریه همسوست. هشدارهای الشرع درباره خطر حضور قسد در مرزهای سوریه، عراق و ترکیه و همچنین تأکید مکرر او بر ادغام این نیروها در ساختار ارتش، عملا بازتابی از دغدغه‌های امنیتی آنکارا درباره فعالیت‌های پ.ک.ک و شاخه‌های وابسته به آن است. ترکیه از سال‌ها پیش، حضور نظامی و امنیتی کردهای سوریه در نزدیکی مرزهایش را تهدیدی مستقیم تلقی کرده و عملیات‌های متعددی علیه آن‌ها انجام داده است. اکنون با روی کار آمدن دولتی که خود را نزدیک به آنکارا معرفی می‌کند، امکان تغییر قواعد بازی در میدان فراهم شده است. هشدار الشرع مبنی بر این‌که «در صورت شکست روند ادغام، ارتش ترکیه مستقیما مداخله خواهد کرد» را می‌توان، نه‌تنها یک تهدید نظامی بلکه بخشی از یک فشار هماهنگ سیاسی ـ امنیتی برای وادار کردن قسد به عقب‌نشینی از مواضع خود دانست.

تحلیلگران نظامی معتقدند که در صورت تداوم بن‌بست سیاسی، عملیات محدود مشترک دمشق و آنکارا علیه مواضع قسد محتمل است. این دیدگاه نشان می‌دهد که پشت پرده، منافع مشترک دمشق و ترکیه علیه موجودیت سیاسی و نظامی قسد در حال شکل‌گیری است، هرچند ملاحظات بین‌المللی، به‌ویژه موضع مبهم آمریکا، مانع اقدام گسترده شده است. با این حال، قرائن میدانی حاکی از آن است که صبر دو طرف رو به پایان است و احتمال دارد حملات پراکنده کنونی به‌تدریج به یک فشار نظامی سازمان‌یافته تبدیل شود.

چشم‌انداز بحران؛ از فدرالیسم تا امنیت مرزها

درگیری‌های شرق حلب صرفا یک منازعه نظامی محلی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده منازعه‌ای عمیق‌تر بر سر ماهیت نظام سیاسی و امنیتی سوریه در دوره پساسد است. قسد همچنان بر ایده فدرالیسم و تمرکززدایی سیاسی تأکید دارد و آن را راه‌حلی برای تضمین حقوق کردها و سایر اقلیت‌ها می‌داند. کما اینکه دروزی‌های سوریه هم با پشت‌گرمی اسرائیل به دنبال استقلال خود هستند. در مقابل، احمد الشرع و دولت جدید سوریه نه‌تنها این رویکرد را «پوششی برای گرایش‌های جدایی‌طلبانه» توصیف می‌کنند، بلکه با اشاره به قانون ۱۰۷ مصوب ۲۰۱۱ می‌گویند همین چارچوب قانونی اختیارات کافی برای اداره محلی را فراهم کرده و نیازی به ساختار فدرال نیست.

در این میان، ترکیه نیز به‌عنوان بازیگر کلیدی، هرگونه تقویت جایگاه سیاسی و نظامی کردها در شمال سوریه را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌بیند. به همین دلیل، آنکارا تلاش می‌کند با حمایت از دولت الشرع، معادلات میدانی را به‌گونه‌ای پیش ببرد که قسد یا مجبور به ادغام در ساختار رسمی سوریه شود یا تحت فشار نظامی و اقتصادی، بخشی از قدرت و مناطق تحت کنترل خود را از دست بدهد.

با این حال، موانعی چون موضع نامشخص آمریکا، اختلافات درونی میان جناح‌های قسد و خطر گسترش دامنه درگیری به مناطق نفت‌خیز و مرزی و از همه مهم‌تر تداوم مداخلات اسرائیل عملا چشم‌انداز هرگونه اقدام نظامی گسترده را مبهم می‌کند. برخی تحلیلگران، حتی وقوع رویارویی تمام‌عیار را بعید ندانسته‌اند. اما طیفی هم بر این باورند که می‌گویند قسد به دنبال تشدید درگیری نیست، بلکه گروه‌های تندرو و جداشده عامل اصلی بی‌ثباتی هستند. با وجود این دیدگاه‌ها، تجربه سال‌های گذشته در سوریه نشان می‌دهد که بن‌بست سیاسی و فشارهای چندجانبه معمولا به سمت درگیری‌های میدانی سوق پیدا می‌کند. بنابراین اگر روند فعلی ادامه یابد و مذاکرات دمشق ـ قسد باز هم بی‌نتیجه بماند، احتمالا ترکیه با چراغ سبز دولت الشرع و شاید با سکوت بازیگران بین‌المللی، نقش پررنگ‌تری در تحولات نظامی شمال سوریه ایفا خواهد کرد؛ رخدادی که می‌تواند نه‌تنها معادلات داخلی سوریه بلکه توازن قدرت در کل منطقه را دستخوش تغییر کند.

> هشدارهای الشرع درباره خطر حضور قسد در مرزهای سوریه، عراق و ترکیه و همچنین تأکید مکرر او بر ادغام این نیروها در ساختار ارتش، عملا بازتابی از دغدغه‌های امنیتی آنکارا درباره فعالیت‌های پ.ک.ک و شاخه‌های وابسته به آن است

یادداشت

رقابت گروسی در برابر گزینه‌های زن برای دبیرکلی سازمان ملل

رستاخیز زنان در سازمان ملل

انتخاب یک زن به دبیرکلی، پیامدهای نمادین و سیاسی گسترده‌ای برای جهان در پی خواهد داشت

جاسیندا آردرن، نخست‌وزیر سابق نیوزیلند

هفت صبح | با نزدیک شدن به پایان دوره دبیرکل کنونی سازمان ملل، آنتونیو گوترش، تقاضاها برای انتخاب نخستین دبیرکل زن در تاریخ سازمان افزایش یافته است. این روند، نه تنها بازتابی از فشارهای اجتماعی و سیاسی برای ارتقای نقش زنان در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری جهانی است، بلکه نشانه‌ای از تغییر در موازنه قدرت دیپلماتیک میان کشورهای بزرگ و بازیگران کلیدی سازمان ملل به شمار می‌رود. اگرچه تقاضاها برای انتخاب اولین دبیرکل زن سازمان ملل افزایش پیدا کرده، اما بعید است برخی جریان‌ها اجازه چنین کاری بدهند. از آغاز تاسیس سازمان ملل تاکنون، تمامی ۹ دبیرکل این سازمان مرد بوده‌اند و این سنت دیرینه اکنون در معرض تغییر قرار گرفته است. به گزارش وبگاه «بلومبرگ»، اخیرا قطعنامه‌ای به تصویب رسیده که اعضای سازمان ملل را به «تلاش برای در نظر گرفتن نامزدهای زن» تشویق می‌کند و سازمان‌ها و نهادهایی مانند WomanSG و ۱ for ۸ billion، نقش ویژه‌ای در پیشبرد این پروژه دارند. در حال حاضر چند زن با سابقه سیاسی و دیپلماتیک برجسته مطرح شده‌اند که در صورت نامزدی شانس بالایی برای انتخاب شدن دارند. از جمله می‌توان به میا ماتلی، نخست‌وزیر باربادوس، جاسیندا آردرن، نخست‌وزیر سابق نیوزیلند، میچل باچله، کمیسیونر سابق حقوق بشر سازمان ملل و امینه محمد، معاون سابق دبیرکل سازمان ملل اشاره کرد. با این حال، تغییر این سنت تاریخی با موانع قابل توجهی روبه‌رو است. منافع ژئوپلیتیک، رقابت میان قدرت‌های بزرگ و همگرایی استراتژیک برخی کشورها با نامزدهای خاص، می‌تواند روند انتخاب دبیرکل زن را پیچیده کند. به‌ویژه نقش آمریکا و چین در این معادله اهمیت ویژه‌ای دارد؛ واشنگتن ممکن است از نامزدی حمایت کند که با اولویت‌های سیاست خارجی این کشور همسو باشد، حتی اگر زن باشد، در حالی که نفوذ چین نیز در تعیین گزینه‌های نهایی افزایش یافته است.

مسیر گروسی به دبیرکلی سازمان ملل؛ سیاست بیش از دیپلماسی هسته‌ای

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یکی از گزینه‌های مطرح برای دبیرکلی سازمان ملل بوده است، اما مسیر او پرچالش به نظر می‌رسد. برخلاف تصور عمومی که مدیرکل‌های آژانس را دیپلمات‌های هسته‌ای می‌دانند، گروسی بیش از آنکه یک کارشناس فنی باشد، یک دیپلمات سیاسی است.

او از معاونت یوکیا آمانو، مدیرکل پیشین آژانس، به این سمت رسید و بخش قابل توجهی از برنامه‌های او علیه برنامه هسته‌ای ایران و روسیه، از جمله اهداف سیاست آمریکا را دنبال کرده است.

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه دولت اول ترامپ، پروژه سیاسی خاصی را طراحی کرد تا گروسی به مدیرکلی آژانس برسد. هدف این بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بتواند نقش مهمی در کنترل و هدایت پرونده‌های هسته‌ای ایران و دیگر کشورها ایفا کند. این رویکرد سیاسی، به گروسی کمک کرد تا نفوذ خود را در مسائل جهانی افزایش دهد و جایگاه او به عنوان یک گزینه بالقوه برای دبیرکلی سازمان ملل مطرح شود.

با این حال، کارشناسان می‌گویند مسیر گروسی برای رسیدن به دبیرکلی سازمان ملل دیگر هموار نیست. تقاضاها برای انتخاب نخستین زن دبیرکل، فشارها بر سازمان ملل برای تغییر سنت‌های دیرینه و همچنین رقابت میان قدرت‌های بزرگ، باعث شده شانس او کاهش یابد.

> مسیر گروسی برای رسیدن به دبیرکلی سازمان ملل دیگر هموار نیست. تقاضاها برای انتخاب نخستین زن دبیرکل، فشارها بر سازمان ملل برای تغییر سنت‌های دیرینه و همچنین رقابت میان قدرت‌های بزرگ، باعث شده شانس او کاهش یابد

تقاضای جهانی برای تغییر جنسیتی در رهبری سازمان ملل

تحولات اخیر نشان می‌دهد که جامعه جهانی بیش از پیش خواهان مشارکت زنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری بین‌المللی است. از زمان تصویب قطعنامه اخیر تا فعالیت گروه‌های مدنی، فشارها برای تغییر جنسیتی در رهبری سازمان ملل افزایش یافته است. این امر می‌تواند تعادل میان سیاست‌ها و رویکردهای مردانه سنتی و دیدگاه‌های تازه و متفاوت زنان در سازمان را تحت تاثیر قرار دهد. احتمال انتخاب یک زن به عنوان دبیرکل، برای اولین بار نه تنها یک نقطه عطف تاریخی خواهد بود، بلکه پیامدهای سیاسی و نمادین گسترده‌ای نیز دارد. چنین انتخابی می‌تواند به تقویت نقش زنان در دیپلماسی بین‌المللی، ارتقای سیاست‌های اجتماعی و حقوق بشر و همچنین بهبود تنوع و شمول در سازمان کمک کند.

فشارهای ژئوپلیتیک و چالش‌های راهبری سازمان ملل

با نزدیک شدن به انتخابات دبیرکل جدید، بازیگران کلیدی مانند آمریکا و چین نقشی تعیین‌کننده خواهند داشت. اگرچه واشنگتن ممکن است از نامزدی که همسو با اولویت‌های سیاست خارجی آن باشد حمایت کند، اما گزینه‌های زن می‌توانند با استراتژی‌های چندجانبه و همکاری‌های بین‌المللی بیشتر همسو باشند. از سوی دیگر، نامزدهایی مانند گروسی که مسیر سیاسی مشخصی دارند، ممکن است در رقابت با گزینه‌های زن و توانایی‌های دیپلماتیک آنها در رسیدن به اجماع بین‌المللی با مشکل مواجه شوند. این تعارض میان رویکردهای سیاسی و فشارهای اجتماعی، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های انتخاب دبیرکل بعدی سازمان ملل است.

با توجه به تحولات اخیر، به نظر می‌رسد روند انتخاب دبیرکل جدید سازمان ملل در سال ۲۰۲۷ با توجه ویژه‌ای به جنسیت نامزدها همراه خواهد بود.

اگرچه گروسی همچنان یکی از گزینه‌های مطرح است، اما فشارهای جهانی برای انتخاب نخستین دبیرکل زن، مسیر او را پیچیده و پرچالش کرده است.

این روند نه تنها بازتاب تغییرات اجتماعی و سیاسی جهانی است، بلکه نشان‌دهنده تمایل کشورهای عضو سازمان برای افزایش تنوع و شمول در رهبری بین‌المللی است. انتخاب یک زن به عنوان دبیرکل، تحولی تاریخی خواهد بود که پیامدهای سیاسی و نمادین گسترده‌ای در دیپلماسی جهانی به دنبال خواهد داشت و می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای بین‌المللی نیز باشد.

غزه، فانوس دیپلماسی را روشن کرد

موج جهانی به رسمیت شناختن فلسطین: گامی نمادین در میانه جنگ غزه و چالش‌های دیپلماتیک

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

سالن‌های پرهیاهوی مجمع عمومی سازمان ملل در روز دوشنبه، شاهد لحظه‌ای تاریخی بود: شش کشور اروپایی شامل فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ، مالت، آندورا و موناکو، به طور رسمی دولت فلسطین را به رسمیت شناختند و به جمع ۱۵۱ کشور عضو سازمان ملل پیوستند که اکنون این دولت را به عنوان موجودیتی مستقل می‌پذیرند. این تحول که یک روز پس از اعلام به رسمیت شناختن از سوی بریتانیا، کانادا، استرالیا و پرتغال رخ داد، نه تنها نشانه‌ای از چرخش دیپلماتیک در برابر جنگ ویرانگر غزه است، بلکه رویکردی عمیق و البته جدید را درباره آینده فلسطین تصویر می‌کند.

خیزش موج به رسمیت شناختن فلسطین

داستان به رسمیت شناختن دولت فلسطین از ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ آغاز شد، زمانی که یاسر عرفات، رهبر در تبعید سازمان آزادی‌بخش فلسطین، استقلال فلسطین را با پایتختی بیت‌المقدس اعلام کرد. الجزایر در همان دقایق اولیه این اعلام را به رسمیت شناخت و در هفته‌ها و ماه‌های بعد، ده‌ها کشور از جنوب جهان از جمله کشورهای عربی، آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین به آن پیوستند. تا سپتامبر ۲۰۲۵، طبق برآورد خبرگزاری فرانسه، دست‌کم ۱۵۱ کشور از ۱۹۳ عضو سازمان ملل، معادل حدود ۸۰ درصد کشورهای عضو، دولت فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند. این فهرست شامل کشورها مهم تاثیرگذاری چون روسیه، چین، هند و تمام کشورهای عربی و آفریقایی به جز استثناهایی مانند کامروناست.

اروپا که تا همین اواخر در این موضوع به شدت دوپاره بود، اکنون شاهد چرخشی چشمگیر است. تا پیش از ۲۰۱۴، تنها ترکیه و کشورهای بلوک اتحاد جماهیر شوروی سابق، فلسطین را به رسمیت شناخته بودند اما سوئد در آن سال به عنوان اولین کشور اروپای غربی این گام را برداشت. در سال ۲۰۲۴ و در پی جنایات بی‌حد و حصر رژیم اسرائیل، کشورهای نروژ، اسپانیا، ایرلند و اسلوونی به این جمع پیوستند و حالا با اعلام اخیر کشورهای کلیدی و تراز اول جهان مانند فرانسه و بریتانیا که دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به شمار می‌روند و کانادا که اعضای گروه جی ۷ است، این موج شتابی بی‌سابقه گرفته. این تحول در حالی رخ می‌دهد که جنگ غزه، بیش از ۶۵ هزار کشته بر جای گذاشته و این منطقه را به ویرانه‌ای بدل کرده است. خشم جهانی از بحران انسانی در غزه، همراه با بن‌بست مذاکرات صلح، بسیاری از دولت‌ها را به این باور رسانده که به رسمیت شناختن فلسطین گامی ضروری برای احیای امید به راه‌حل دو کشوری است، راه‌حلی که اسرائیل و ایالات متحده به شدت با آن مخالفت می‌کنند.

چرا به رسمیت شناختن مهم است؟

رومن لو بوف، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه اکس-مارسی فرانسه، به رسمیت شناختن فلسطین را «یکی از پیچیده‌ترین مسائل» در حقوق بین‌الملل می‌داند، جایی که مرز بین سیاست و قانون محو می‌شود. او به خبرگزاری فرانسه توضیح می‌دهد: «هیچ دفتری برای ثبت به رسمیت شناختن وجود ندارد. دولت‌ها آزادند زمان و شکل آن را انتخاب کنند و این منجر به تنوع گسترده‌ای می‌شود.» اما فیلیپ سندز، استاد حقوق بین‌الملل فرانسوی-بریتانیایی، در گفت‌وگویی با نیویورک تایمز تأکید می‌کند که این اقدام فراتر از نمادگرایی است: «وقتی فلسطین را به عنوان دولت به رسمیت می‌شناسید، به طور عملی آن را در سطحی برابر با اسرائیل در چارچوب حقوق بین‌الملل قرار می‌دهید.» این «برابری قانونی» پیامدهای عمیقی دارد: از امکان گشایش سفارتخانه‌ها و انعقاد معاهدات بین‌المللی تا تقویت جایگاه فلسطین در نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) برای پیگیری حقوقی علیه اشغالگری اسرائیل. به گفته سلطان برکت، استاد دانشگاه حمد بن خلیفه در قطر، این به رسمیت شناختن «حمایتی واقعی و عملی» از آرمان فلسطین است، به‌ویژه در زمانی که اسرائیل با تهاجمات خود در غزه و کرانه باختری و حتی حملات اخیر به قطر، خشم بین‌المللی را برانگیخته است. با این حال، لو بوف هشدار می‌دهد: «به رسمیت شناختن به خودی خود دولت را ایجاد نمی‌کند، همان‌طور که عدم به رسمیت شناختن مانع وجود آن نمی‌شود.» فلسطین که از سال ۲۰۱۲ به عنوان دولت ناظر غیرعضو در سازمان ملل پذیرفته شده، همچنان با چالش‌هایی مانند فقدان مرزهای مشخص، نبود ارتش و کنترل اسرائیل بر بخش‌های وسیعی از کرانه باختری و غزه دست‌وپنجه نرم می‌کند.

چشم‌انداز آینده: امید یا بن‌بست؟

اسرائیل، تحت رهبری بنیامین نتانیاهو جنایتکار که قول داده «هرگز دولت فلسطینی در غرب رود اردن شکل نگیرد»، این موج دیپلماتیک را «پاداشی به حماس» می‌خواند.

ایتمار بن‌گویر، وزیر امنیت ملی اسرائیل، حتی پیشنهاد «اعمال حاکمیت» بر کرانه باختری را مطرح کرده، اقدامی که می‌تواند توافقات ابراهیم که بر ستون نرمال‌سازی روابط با برخی کشورهای عربی و اسرائیل بنا شده و یکی از ابرپروژه‌های سیاسی ترامپ به شمار می‌رود را به خطر بیندازد. ایالات متحده، متحد اصلی اسرائیل نیز با این تحولات به شدت مخالف است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، این اقدامات را «بی‌فایده» و «تشویق کننده حماس» توصیف کرده‌اند. آمریکا با وتوی قطعنامه‌ای در شورای امنیت، مانع عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل شد و همچنان بر مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و مقامات فلسطینی به عنوان پیش‌شرط به رسمیت شناختن اصرار دارد. این موضع آمریکا را در برابر متحدان نزدیکش، از جمله بریتانیا، کانادا و فرانسه، به انزوا کشانده است. با وجود این حمایت گسترده، موانع پیش روی فلسطین همچنان عظیم است. اسرائیل کرانه باختری را اشغال کرده و غزه در پی حملات مداوم به ویرانه‌ای بدل شده است. مقامات فلسطینی، مانند محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان، این به رسمیت شناختن‌ها را «گامی به سوی خودمختاری» می‌دانند، اما فقدان کنترل واقعی بر سرزمین و منابع، همراه با اختلافات داخلی، چشم‌انداز را تیره می‌کند. برخی کشورها، مانند بلژیک، شرط‌هایی برای به رسمیت شناختن قائل شده‌اند. در این میان حقیقتی انکارناپذیر وجود دارد؛ امروز صدای فلسطینی‌ها در سازمان ملل و جامعه جهانی بلندتر شده و رژیم جنایتکار و خونخوار اسرائیل منزوی‌تر از همیشه است.

چهره روز

جیمی کیمل، کمدین سرشناس، پس از یک هفته تعلیق به برنامه «زنده جیمی کیمل» در شبکه ای‌بی‌سی بازگشت. این تعلیق به دلیل اظهارات کیمل درباره واکنش دونالد ترامپ به قتل چارلی کرک بود که آن را به ناراحتی کودکی برای مرگ ماهی‌اش تشبیه کرد. دیزنی، مالک ای‌بی‌سی، هفته گذشته پخش برنامه را برای جلوگیری از تنش متوقف کرده بود. سخنگوی دیزنی اعلام کرد پس از گفت‌وگوهای عمیق با کیمل، تصمیم به بازگشت او گرفته شد. این تصمیم جنجال‌ساز شد و واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشت. بیش از ۴۰۰ چهره سرشناس و سلبریتی، از جمله باراک اوباما، تام هنکس و مریل استریپ، با امضای نامه‌ای سرگشاده، اقدام دیزنی را محکوم کردند. برخی بازیگران سریال‌های مارول نیز خواستار تحریم این شبکه شدند. بازگشت کیمل نشان‌دهنده حمایت قوی جامعه هنری از اوست.

ینگه دنیا

ترامپ و معمای اوتیسم

ادعاهای بی‌پایه رئیس جمهور آمریکا، هشدارهای علمی را به دنبال داشت

در حالی که ایالات متحده با چالش‌های روبه‌رشد بهداشت عمومی دست‌وپنجه نرم می‌کند، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه با لحنی قاطع و پرشور، زنان باردار را به «تحمل کردن» درد و اجتناب از مصرف تیلنول یا همان داروی رایج مسکن حاوی استامینوفن، ترغیب کرد؛ ادعایی که بر پایه پیوند اثبات‌نشده‌ای با اوتیسم بنا شده و موجی از نگرانی را در میان پزشکان، دانشمندان و حامیان سلامت کودکان برانگیخته است. این اظهارات که با تکرار شایعات ضدواکسن همراه بود، نه‌تنها اجماع علمی دهه‌ها را به چالش می‌کشد، بلکه سؤالاتی جدی درباره ادامه حضور رابرت اف. کندی جونیور، وزیر بهداشت و خدمات انسانی (HHS) با سابقه‌ای طولانی در ترویج نظریه‌های توطئه در کابینه ترامپ مطرح می‌کند.

تصویر ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی کاخ سفید، جایی که با دست‌های برافراشته و صدایی رسا فریاد می‌زد «مصرف تیلنول خوب نیست. من می‌گویم خوب نیست»، صحنه‌ای بود که بیش از یک سخنرانی سیاسی به نظر می‌رسید؛ گویی رئیس جمهور آمریکا خود را به مثابه یک پزشک خودخوانده می‌دید که «پاسخی برای معمای اوتیسم» یافته است. او زنان باردار را به «مبارزه جانانه» برای دوری از این مسکن فرامی‌خواند و فقط در موارد «تب بسیار بالا» مصرف آن را توجیه‌پذیر می‌دانست. ترامپ حتی پیشنهاد داد که برنامه واکسیناسیون کودکان را «دگرگون» کند: از حذف آلومینیوم از واکسن‌ها که ایمنی‌اش بارها اثبات شده تا به تأخیر انداختن واکسن هپاتیت نوع B نوزادان که پزشکان آن را کلیدی برای جلوگیری از انتقال مادر به جنین این بیماری کشنده می‌دانند. ترامپ بدون هیچ مدرک و مبانی علمی افزود «دلیلی برای واکسینه کردن نوزادان علیه هپاتیت B وجود ندارد.» این حرف‌ها در حالی اظهار شد که کندی جونیور، وزیر بهداشت، با تأیید سر تکان می‌داد.

این سخنان که ریشه در کمپین انتخاباتی ترامپ دارد، فراتر از یک گاف سیاسی است؛ آن‌ها تهدیدی مستقیم برای اعتماد عمومی به علم هستند. اوتیسم، اختلالی پیچیده در رشد مغز است که علائم آن از چالش‌های ارتباطی خفیف تا حساسیت‌های حسی شدید متغیر است، رازی نیست که یک‌شبه حل شود. آمار مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC) نشان می‌دهد که نرخ تشخیص اوتیسم از یک در ۱۵۰ کودک در سال ۲۰۰۰ به یک در ۳۶ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته اما دانشمندان این رشد را نه به «اپیدمی» ناشی از داروها یا واکسن‌ها، بلکه به تغییرات تشخیصی، آگاهی بیشتر و گسترش معیارها نسبت می‌دهند. جف برد، عصب‌شناس شناختی و متخصص اوتیسم در دانشگاه آکسفورد و کالج دانشگاهی لندن، به دویچه‌وله می‌گوید: «تشخیص اوتیسم همیشه چالش‌برانگیزترین بخش تحقیق بوده، چون هیچ نشانگر بیولوژیکی مشخصی ندارد. ایده یافتن علت تا سپتامبر، همان‌طور که کندی وعده داده، تخیلی و غیرواقعی است.»

پزشکان و دانشمندان که صدای‌شان در برابر این طوفان فزاینده بلندتر می‌شود، این ادعاها را نه‌تنها نادرست، بلکه «خطرناک» توصیف می‌کنند. آرتور کاپلان، رئیس بخش اخلاق پزشکی دانشگاه نیویورک، در گفت‌وگو با ای‌اف‌پی هشدار داد: «من نگرانم که زنان باردار احساس گناه کنند اگر تیلنول مصرف کرده باشند؛ احساس کنند نوزادشان را ناقص کرده‌اند یا غیراخلاقی عمل کرده‌اند. این عادلانه نیست و نباید کسی چنین احساسی کند.» جالب است بدانید، کالج آمریکایی متخصصان زنان و زایمان (ACOG) سال‌هاست که استامینوفن را ایمن‌ترین مسکن دوران بارداری می‌داند، زیرا تب و درد کنترل‌نشده می‌تواند تهدیدی جدی برای مادر و جنین باشد. دیوید مندل، اپیدمیولوژیست روان‌پزشکی در دانشگاه پنسیلوانیا، تأکید می‌کند: «ریسک احتمالی تیلنول کمتر از خطر عفونت کنترل‌نشده در بارداری است.»

بررسی ادبیات علمی، از جمله گزارشی در اوت که به پیوند احتمالی اشاره می‌کند، برنیاز به تحقیقات بیشتر اصرار دارد و هرگز توصیه به قطع خودسرانه دارو نمی‌کند. سازمان غذا و دارو (FDA) نیز در نامه‌ای محتاطانه به پزشکان نوشت: «رابطه علمی اثبات نشده و بحث علمی ادامه دارد.» اما ترامپ و کندی، با نادیده گرفتن این احتیاط، بر یک روایت ساده‌انگارانه پافشاری می‌کنند: اوتیسم نتیجه یک «عامل خارجی» مانند تیلنول یا واکسن‌هاست. با این اوصاف، نگرانی‌ها از ادامه حضور کندی در مقام وزارت بهداشت که ترامپ او را «ستاره» کابینه‌اش خوانده، عمیق‌تر است. حامیان جامعه اوتیسم، از جمله جامعه ملی اوتیسم بریتانیا، این رویکرد را «شوک‌آور و ضدعلمی» می‌دانند. این ماجرا فراتر از یک بحث علمی است؛ نمادی از شکاف عمیق میان سیاست پوپولیستی و اعتماد به علم. ترامپ قول «پاسخی شگفت‌انگیز» برای اوتیسم داد اما آنچه تحویل داد، بذر تردید و ترس بود.

عکس روز

معجزه‌ای در میان چرخ‌های مرگ

یک پسر ۱۳ ساله افغان با پنهان شدن در چرخ هواپیما از کندز به دهلی رسید

در اقدامی که تنها می‌توان آن را معجزه نامید، یک پسر ۱۳ ساله اهل کندز افغانستان با پنهان شدن در محفظه چرخ هواپیمای شرکت کام‌ایر، سفری مرگبار از کابل به دهلی را پشت سر گذاشت و به طرز باورنکردنی زنده ماند. این ماجرا که در رسانه‌های بین‌المللی، از جمله «هندوستان تایمز»، بازتاب گسترده‌ای یافت، نه تنها داستان بقای یک کودک در شرایطی غیرممکن است، بلکه زنگ خطری برای امنیت فرودگاه‌ها و نشانه‌ای از عمق بحران انسانی در افغانستان به شمار می‌رود.

جزئیات حادثه: سفری در دل خطر

صبح یکشنبه، پرواز RQ-۴۴۰۱ شرکت کام‌ایر پس از سفری یک و نیم ساعته از کابل، در فرودگاه بین‌المللی ایندیرا گاندی دهلی به زمین نشست. در جریان بازرسی معمول پس از فرود، مدیر ارشد امنیت کام‌ایر متوجه حضور غیرمنتظره یک پسر در نزدیکی محفظه چرخ عقب هواپیما شد. این پسر که در شرایطی نامناسب اما زنده از محفظه خارج شده بود، به مرکز کنترل عملیات امنیتی فرودگاه منتقل شد. در بازرسی‌های اولیه، یک اسپیکر قرمز کوچک که متعلق به او بود، کشف شد؛ شیئی که شاید تنها همراه او در این سفر خطرناک بود.

این پسر در بازجویی‌ها فاش کرد که قصد داشته به ایران سفر کند اما به دلیل ناآشنایی یا شاید اضطراب و شتابزدگی، به اشتباه سوار پروازی به مقصد دهلی شده بود. او توضیح داد که مخفیانه وارد فرودگاه بین‌المللی حامد کرزی در کابل شده و خود را در محفظه چرخ عقب هواپیما پنهان کرده بود. این محفظه‌ها که در ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ پایی با دمای منفی ۵۰ درجه سانتی‌گراد و کمبود شدید اکسیژن مواجه‌اند، به ندرت مکانی برای بقا هستند. بر اساس گزارش‌های هوانوردی، تنها ۲۳ درصد از افرادی که در چنین شرایطی پنهان می‌شوند، زنده می‌مانند. این آمار، شگفتی زنده ماندن این پسر را دوچندان می‌کند.

نقش امنیتی یا فریاد ناامیدی؟

مقامات هندی این حادثه را نقض جدی پروتکل‌های امنیتی در فرودگاه کابل دانستند. محفظه‌های چرخ هواپیماها که به طور معمول برای بازرسی‌های امنیتی غیرقابل دسترس فرض می‌شوند، در این مورد به سادگی توسط یک کودک ۱۳ ساله نقض شده بود. این موضوع پرسش‌های جدی درباره امنیت فرودگاه کابل و کارایی سیستم‌های نظارتی آن مطرح کرد. برخی کارشناسان معتقدند که این حادثه نتیجه سهل‌انگاری در بازرسی‌های پیش از پرواز است، در حالی که دیگران آن را نشانه‌ای از وضعیت بحرانی و ناامیدی عمیق در میان جوانان افغانستان می‌دانند. افغانستان در سال‌های اخیر با چالش‌های عمیقی مواجه بوده است. خروج نیروهای آمریکایی در اوت ۲۰۲۱ و تسلط دوباره طالبان بر این کشور، موجی از ناامیدی، فقر و ناامنی را به همراه داشت. بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه در مناطق محروم مانند کندز، با فقدان فرصت‌های شغلی، آموزشی و چشم‌انداز روشن برای آینده روبه‌رو هستند. این شرایط، به‌ویژه برای نسل جوان، انگیزه‌ای برای فرار به هر قیمتی ایجاد کرده است، حتی اگر به معنای به خطر انداختن جانشان باشد.

یادآوری یک تراژدی: تصاویر ماندگار اوت ۲۰۲۱

این حادثه بی‌اختیار ذهن‌ها را به سوی تصاویر دلخراش اوت ۲۰۲۱ می‌برد، زمانی که نیروهای آمریکایی در حال خروج از کابل بودند. در آن روزها، فرودگاه بین‌المللی کابل شاهد صحنه‌های بی‌سابقه‌ای بود: صدها نفر در تلاش برای فرار از کشور، به بدنه و چرخ‌های هواپیمای C-۱۷ نیروی هوایی آمریکا آویزان شدند. تصاویر ویدئویی از افرادی که حین پرواز از هواپیما سقوط کردند، به سرعت در سراسر جهان منتشر شد و به نمادی از بحران انسانی در افغانستان تبدیل شد. دست‌کم دو نفر در آن روز جان خود را از دست دادند و این تصاویر همچنان به‌عنوان یکی از دردناک‌ترین لحظات تاریخ معاصر افغانستان در اذهان باقی مانده است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

یلو زون

مصدومیت تام هالند؛ توقف فیلمبرداری مرد عنکبوتی

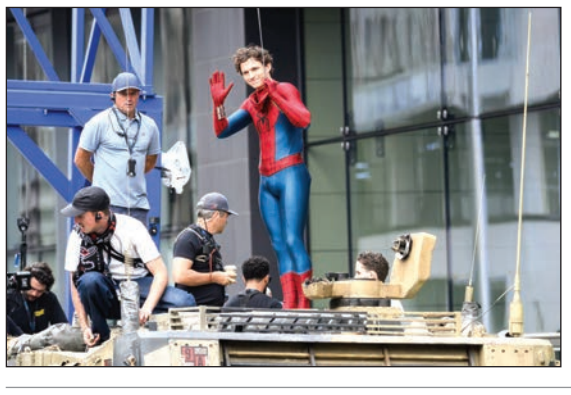

فیلمبرداری «مرد عنکبوتی: روز از نو»، محصول مشترک مارول و سونی، به دلیل مصدومیت تام هالند، ستاره نقش پیتر پارکر، متوقف شد. نشریه سان گزارش داد که هالند، روز جمعه در اسکاتلند، هنگام اجرای صحنه‌ای اکشن دچار آسیب مغزی خفیف شد و هم‌اکنون تحت استراحت است. یک بدلکار نیز در این حادثه آسیب دید. با وجود این اتفاق، هالند در کنار زندایا، بازیگر نقش ام‌جی، در یک رویداد خیریه شرکت کرد که نشان از روحیه بالای او دارد. سازندگان فیلم جلسه‌ای برای برنامه‌ریزی از سرگیری فیلمبرداری تشکیل داده‌اند تا پروژه به مسیر خود بازگردد. این فیلم، چهارمین حضور تام هالند در نقش مرد عنکبوتی در دنیای سینمایی مارول است. هالند پیش‌تر از فیلمبرداری در لوکیشن‌های واقعی به جای استودیوهای پرده سبز ابراز هیجان کرده بود، رویکردی که برخلاف فیلم قبلی، «راهی به خانه نیست»، است. سونی پیکچرز اکران «مرد عنکبوتی: روز از نو» را برای ۹ مرداد ۱۴۰۵ برنامه‌ریزی کرده و این توقف ممکن است چالش‌هایی برای جدول زمانی ایجاد کند.

کیوسک

چاینا دیلی چین، عکس اصلی این شماره خود را به تصویری از ناو هواپیمابر سی‌ان‌اس فوجیان، اولین ناو هواپیمابر این کشور اختصاص داد که قادر به حمل تمامی هواپیماهای جنگی چین است.

لا کراس فرانسه، عکس اصلی خود را به بررسی لایحه «مالیات زوکمن» اختصاص داد، لایحه‌ای که براساس آن قرار است ۲ درصد از دارایی‌های بیش از ۱۰۰ میلیون یورو به عنوان مالیات برداشته شود.

سفری به دنیای پرزرق‌وبرق اما مبهم کلاس‌های بازیگری

منوی چنددهمیلیونی ستاره‌شدن

رویای بازیگری در این روزگار گویا نه جلوی آینه که پشت در کلاس‌های میلیونی شکل می‌گیرد

امروز، مسیر رسیدن به پرده نقره‌ای، از کلاس‌هایی می‌گذرد که شهریه‌شان، حقوق یک سال یک کارمند یا تمام پس‌انداز یک خانواده است

الهه کاکایی
هفت صبح

تهران، حوالی غروب؛ چراغ‌های قرمز، رقص بی‌امان نور روی آسفالت خیس و جوان‌هایی که پشت فرمان یا روی ترک موتور، در هدفون‌های‌شان، دیالوگ‌های ماندگار تاریخ سینما را زمزمه می‌کنند. رویا، این سرسخت‌ترین و در عین حال شکننده‌ترین دارایی بشر، در این شهر خاکستری، بیش از هر جای دیگری پرسه می‌زند. رویای یک پلان، یک کلوز آپ، یک نام روی تیتراژ پایانی. رویای «بازیگر شدن» اما این رویا، این روزها قیمتی دارد. قیمتی که روی تابلوهای اعلانات موسسات سینمایی، با فونت‌های درشت و نام‌های بزرگ، چشمک می‌زند. دیگر دوره تمرین جلوی آینه و فرستادن عکس سه در چهار به دفاتر فیلمسازی گذشته است. امروز، مسیر رسیدن به پرده نقره‌ای، از کلاس‌هایی می‌گذرد که شهریه‌شان، حقوق چند ماه یک کارمند یا تمام پس‌انداز یک خانواده است. این یک بازار است؛ بازار فروش امید اما آیا کالایی که می‌فروشند، «واقعیت» است یا «سراب»؟

ویترین یک رویا

بیایید به ویترین این بازار نگاهی بیندازیم. نام‌ها آنقدر بزرگ و وسوسه‌انگیز هستند که هر عاشق سینمایی را به فکر فرو می‌برد. مگر می‌شود شانس شاگردی حامد بهداد را نادیده گرفت؟ آموزشگاه «آوا» کارگاهی دارد با عنوان عجیب و جالب: «شناخت درد و غریزه». ۱۲جلسه، ۲۵ میلیون تومان. یعنی هر جلسه در حدود ۲ میلیون تومان برای کشف دردی که شاید از پیش در جانت ریشه دوانده باشد .کمی آن‌طرف‌تر، نام هومن سیدی می‌درخشد. کارگردان و بازیگری که نبض نسل جدید را در دست دارد. موسسه «۸میلیمتری» کلاس او را برگزار می‌کند. قیمت؟ ۵۰ میلیون تومان برای ۱۲جلسه. صف انتظارش هم خود داستانی است. تا همین لحظه، ۲۰ نفر در لیست رزرو منتظرند و هیچ کس نمی‌داند این قطار کی به ایستگاه آنها می‌رسد. ۵۰میلیون تومان، شاید بهای نشستن در اتاقی است که روزی به یک «وحشی» یا «مغزهای کوچک زنگ‌زده» ختم شود.

باران کوثری، با آن کارنامه قابل توجه و بازی‌های جسورانه، در موسسه «کاج» تدریس می‌کند. ۸ جلسه ۴ تا ۵ ساعته، ۲۰ میلیون تومان. فرصتی برای آموختن از کسی که بازیگری با خون و خاندانش آمیخته است و یا شاید وسوسه حضور در کلاس‌های امین حیایی؛ بازیگر محبوب و پرکاری که کارنامه متنوعش برای هر هنرجویی یک کلاس درس است. موسسه او برای یک دوره مقدماتی ۱۲جلسه‌ای، برچسب قیمت ۱۷میلیون تومانی را تعیین کرده است؛ بهایی برای آموختن اصول اولیه که امین حیایی ستاره‌ای که نبض گیشه و مخاطب را به خوبی می‌شناسد، تنها یک درس از این دوره را تدریس می‌کند.

و مگر می‌شود از حسن فتحی، استاد ساختن عاشقانه‌های تاریخی و دیالوگ‌های جذاب، گذشت؟ آموزشگاه معتبر «کارنامه» دوره او را با شهریه ۱۴میلیون تومان برای ۸ جلسه برگزار می‌کند.

اینها تنها چند نمونه از قله‌های این کوه شاید یخی هستند. صدها کارگاه و کلاس دیگر با قیمت‌های مختلف در این شهر برپاست که هر کدام تکه‌ای از پازل رویای جوانان را به حراج گذاشته‌اند.

پارادوکس نمایش خانگی

تولید انبوه، درهای بسته

و طنز تلخ ماجرا اینجاست که این عطش سیری‌ناپذیر برای ورود به دنیای تصویر، دقیقا در دورانی به اوج خود رسیده که به نظر می‌رسید درهای این قلعه تسخیرناپذیر، در حال باز شدن است. با ظهور پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی و افزایش سرسام‌آور تولیدات، امید می‌رفت که این اژدهای هفت‌سرِ «نقش گرفتن» رام شود و روزنه‌ای برای تنفس چهره‌های تازه باز گردد اما واقعیت چیز دیگری را نشان داد. با یک نگاه سرسری به فهرست بازیگران سریال‌های جدید، همان دایره بسته همیشگی را می‌بینیم؛ انگار گاردی آهنین از ستاره‌ها شکل گرفته که ورود به آن، قوانین نانوشته خودش را دارد. این چرخه آنقدر تکراری و نفوذناپذیر شده که گاهی اگر چهره‌ای جدید، مستعد و بی‌نام‌ونشان بتواند از این سد عبور کند و دیده شود، گویی نه یک نقش، که یک مأموریت ابرقهرمانانه در دنیای مارول را به سرانجام رسانده است.

سراب یا واقعیت؟

حال سوال اینجاست: انتهای این مسیر گران‌قیمت چیست؟ آیا فارغ‌التحصیلان این کلاس‌ها، فردای کلاس، جلوی دوربین فیلمبرداری قرار می‌گیرند؟ پاسخ، تلخ و پیچیده است .حقیقت این است که سینمای ایران، ظرفیت پذیرش این حجم از بازیگر را ندارد. برای هر صندلی خالی در این کلاس‌ها، هزاران جوان بااستعداد در شهرستان‌ها یا در همین تهران، بدون پول و پارتی، با کمترین امکانات، بهترین بازی‌ها را در تئاترهای کوچک یا فیلم‌های کوتاه مستقل از خود به نمایش می‌گذارند. این کلاس‌ها، بیش از آنکه کارخانه بازیگرسازی باشند، به یک لاتاری بزرگ شبیه هستند. یک بلیت ورودی گران‌قیمت که شاید، فقط شاید، شماره‌ات در میان هزاران نفر خوانده شود.

اساتید این دوره‌ها، بی‌تردید از بزرگان حرفه خود هستند و کسی در تخصص‌شان شکی ندارد. آنها عصاره سال‌ها تجربه و دانش خود را در اختیار هنرجویان قرار می‌دهند اما مشکل، مکانیسم معیوب ورود به سینماست. رابطه‌ها، تیم‌های همیشگی کارگردانان و تهیه‌کنندگان و مهم‌تر از همه، «چهره» شدن در فضای مجازی، گاهی از هر کلاسی موثرتر عمل می‌کند.

اینجاست که کلمه «سراب» معنا پیدا می‌کند. سرابی که از دور، چشم‌انداز یک چشمه زلال و خنک را دارد اما هر چه به آن نزدیک‌تر می‌شوی، جز بیابانی از واقعیت‌های سخت، چیزی پیدا نمی‌کنی. رویای بازیگری، برای بسیاری، در همین نقطه تمام می‌شود؛ پشت درهای بسته دفاتر فیلمسازی، با یک مدرک گران‌قیمت در دست و جیبی خالی‌تر از همیشه.

اما رویا، هرگز به طور کامل نمی‌میرد. فقط شاید تغییر شکل دهد.

سرمایه‌داریِ رویا در سینمای ایران

گران‌ترین «پلان» زندگی

برای شنیدن صدای واقعی این رویا، باید از برج‌های شیشه‌ای شمال شهر فاصله گرفت و به دل خیابان‌های شلوغ و پر دود زد. با **میلاد پویایی**، جوان ۳۱ ساله‌ای صحبت می‌کنیم که رویاهایش را روی ترک موتور، در ترافیک همت، نفس می‌کشد. کلاه کاسکتش را روی باک می‌گذارد، عرق پیشانی‌اش را پاک می‌کند و داستانش را آغاز می‌کند؛ داستانی که صدای هزاران جوان دیگر است.

«این عشق به بازیگری از بچگی با من بود. زمان سریال «زیر آسمان شهر»، جلوی آینه می‌ایستادم و نقش خشایار را برای خودم اتود می‌زدم. یک خاطره هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود؛ در دبستان یک گروه از آموزش و پرورش برای تست تئاتر آمدند. من انتخاب شدم. گفتند فرض کن در اوج سرما می‌خواهی تاکسی بگیری. اجرا کردم و گفتند عالی است. اما چند روز بعد که برای بردن من آمدند، معلم ریاضی‌مان جلویم ایستاد و گفت: «وقتت را حرام نکن، در این چیزها آینده‌ای نیست.» سنم کم بود، حرف معلم را گوش کردم و نرفتم... آن حسرت هنوز با من است.

آن رویا در نطفه خفه شد و جایش را واقعیتی سخت گرفت. زندگی من شبیه قصه‌هایی نیست که می‌گویند. من باید کار می‌کردم تا خرج خودم و خانواده‌ام را بدهم. از سیزده-چهارده سالگی دستفروشی می‌کردم. الان هم صبح تا ظهر در یک اداره کار می‌کنم و از ساعت دو سه بعدازظهر تا ۱۰ شب با موتور در یک تاکسی اینترنتی مشغول هستم.

با همین زندگی، چند سال است که به عنوان هنرور سر صحنه‌ها می‌روم تا شاید دیده شوم. در یک سریال نمایش خانگی خیلی معروف، خودم را به کارگردان نشان دادم. آنقدر خوشش آمد که گفت شماره‌ات را به ۱۰ نفر می‌دهم و حتما از تو استفاده می‌کنم. قرار شد یک پلان بازی کنم. لباس پوشیدم و آماده شدم... اما دستیار کارگردان مخالفت کرد و گفت این سکانس نباید اینطور باشد. آن فرصت سوخت، ولی کارگردان دوباره به من امید داد. مشکل همین است؛ امید می‌دهند، ولی بعد ناامیدت می‌کنند.

بارها برای کلاس‌های معروف بازیگری رفتم، صحبت کردم اما هزینه‌ها سرسام‌آور است. من آن پول را باید از شکم پدر و مادرم بزنم، نه شکم خودم. همین چند هفته پیش برای یک تست رفتم که نگفته بودند پولی است. اتود زدم، قبول شدم. مونولوگ گفتم، قبول شدم. کارگردان تاییدم کرد. وقتی غرق امید شدم، گفتند: «فقط یک مسئله‌ای هست، باید ۱۵۰میلیون تومان بدهی تا برای جشنواره به صورت خصوصی با خود کارگردان کار کنی!» من چطور می‌توانم؟ منی که اجاره خانه و خرج پدر و مادرم را می‌دهم...

صد درصد ورود به سینما برای پولدارها راحت‌تر است. سیستم مافیایی شده. می‌گویند باید کارگاه آموزشی بروی. چرا؟ چون این دریچه ورود شده. شهریه یک کارگاه، حقوق دو سه ماه من است. منی که در زمستان برای ۲۰۰ هزار تومان با موتور از این سر تهران به آن سر تهران می‌روم و هر لحظه ممکن است زمین بخورم، چطور می‌توانم ۵۰ یا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کنم؟ درست است که جواد عزتی از هنروری شروع کرد، اما آن سال‌ها اینقدر مافیا نبود. الان هر دریچه‌ای برای ورود، همین کلاس‌های گران‌قیمت است که معلوم نیست از آن بازیگر بیرون بیاید یا نه. بازیگری باید در ذات آدم باشد.

با تمام اینها، بارها برای هنروری می‌روی بدون ۱۰۰۰ تومان درآمد، به هنرورها اکثرا پولی نمی‌دهند به جز همان غذای سر صحنه. خدا شاهد است، سر یک سریال معروف، روزها سر صحنه بودم ولی دیده نمی‌شدم. می‌دیدم بازیگری دارد نقشی را بازی می‌کند که من در ذهنم ۱۰۰برابر بهتر اجرایش می‌کردم. کارگردان هم اتودم را دیده بود و گفته بود عالی است اما... هیچی. عشق است دیگر. ما به خاطر همین عشق است که ادامه می‌دهیم، حتی وقتی می‌دانیم به بن‌بست می‌خوریم».

میلاد به ساعتش نگاه می‌کند. باید برود. کلاهش را برسر می‌گذارد و هندل می‌زند. صدای موتور، صدای جنگیدن برای یک رویاست. او در میان دود و ترافیک ناپدید می‌شود، در حالی که بزرگ‌ترین نقشش را هر روز در صحنه بی‌رحم زندگی بازی می‌کند.

میزان فروش (تومان)	تعداد مخاطب	تاریخ شروع اکران	کارگردان	نام فیلم
۱۷۱/۲۱۵/۰۵۶/۹۵۳	۱/۹۱۳/۴۳۵	۲۱خرداد	اکتای‌براهنی	پیرپسر
۱۴۱/۶۲۳/۳۳۱/۷۹۶	۱/۸۳۲/۵۴۳	۱مرداد	کریم‌امینی	مردعینکی
۱۳۴/۷۷۴/۴۹۹/۶۹۱	۱/۶۸۶/۷۲۷	۷۱اردیبهشت	پدرام‌پورامیری	صد دام
۸۷/۷۸۴/۶۲۸/۷۳۱	۱/۰۱۱/۶۳۸	۱مرداد	سعیدروستایی	زن و بچه
۳۳/۷۶۳/۹۲۸/۹۹۵	۴۴۲/۷۷۳	۵شهریور	محمدحسین‌فرح‌بخش	ناجورها
۲۹/۳۶۲/۲۸۳/۴۹۲	۳۹۶/۰۲۷	۲۷اردیبهشت	حسین‌تبریزی	سلام‌علیکم‌حاج‌آقا
۲۸/۳۷۱/۷۵۶/۰۷۲	۳۵۰/۹۵۷	۱۷اردیبهشت	کیارش‌اسدی‌زاده	خانه‌ارواح
۲۳/۹۹۳/۴۲۱/۹۷۲	۳۶۵/۱۰۱	۳اردیبهشت	محسن‌عنایتی	رویاشهر
۱۸/۳۳۷/۳۹۳/۳۱۰	۳۴۲/۰۳۹	۳۰تیر	عادل‌معصومیان	جزایرقناری
۱۵/۷۸۳/۶۴۸/۸۸۷	۱۹۰/۸۷۱	۱۷اردیبهشت	رسول‌صدرعاملی	زیباصدایم‌کن
۸/۹۴۷/۵۳۵/۴۵۱	۱۱۴/۰۷۷	۱۲شهریور	محمدرضاخردمندان	ناتوردشت
۸/۶۰۵/۸۵۱/۲۹۴	۱۵۹/۱۱۵	۸مرداد	مجیداسماعیلی	فرمانروای‌آب
۵/۸۱۰/۲۶۴/۸۸۷	۶۶/۶۳۱	۲۴اردیبهشت	مجیدرضامصطفوی	بی‌سر و صدا
۳/۰۱۴/۵۵۵/۳۰۲	۳۷/۱۰۴	۱۲شهریور	محمودکلاری	آدم‌فروش
۲/۱۶۳/۰۵۲/۰۱۲	۳۰/۰۵۰	۲۶شهریور	ابوالفضل‌صفاری	گوزن‌های‌اتوبان
۱/۶۸۱/۷۹۲/۶۴۸	۲۷/۸۱۳	۱۷اردیبهشت	دانش‌اقباشاوی	لسفند
۱/۰۶۱/۰۶۸/۸۰۰	۱۵/۸۵۸	۱۵مرداد	محمدعسگری	اتاقک‌گلی
۷۳۶/۲۲۴/۰۴۲	۸/۵۷۰	۱۸تیر	سیروس‌الوند	آنجاهمان‌ساعت
۵۳۴/۶۳۰/۷۰۰	۷/۳۶۷	۱۲شهریور	محمدعلی‌باشه‌آهنگر	سینمامتروپل
۵۰۹/۷۱۸/۰۲۲	۶/۴۰۲	۱۷اردیبهشت	مرتضی‌آتش‌زمزم	هرچی‌توبگی
۳۷۹/۱۱۵/۱۰۸	۴/۵۹۴	۱۸تیر	علی‌هاشمی	زعفرانیه۴۱تیر

سینمای ایران در تابستانی پرالتهاب

فروش بیشتر تماشاگر کمتر

با وجود کاهش سه میلیونی مخاطب نسبت به سال گذشته، گیشه تابستان توانست به لطف فیلم‌های کمدی و پدیده «پیرپسر» فروش قابل‌قبولی را ثبت کند

فاطمه برزویی
هفت صبح

تابستان همیشه حال و هوای خودش را دارد. فصلی است برای استراحت، سفر، دورهمی و خلاصه کمی فاصله گرفتن از روزمرگی‌ها. برای دانش‌آموز و دانشجو که سه ماه از درس و امتحان آزادند، برای کارمندها فرصتی برای مرخصی گرفتن و برای خانواده‌ها زمانی برای با هم بودن و تفریح. یکی از تفریحاتی که خیلی‌ها در این فصل سراغش می‌روند، سینماست. سالن خنک سینما، پاپ‌کورن داغ، صندلی راحت و یک فیلم خوب روی پرده، می‌تواند یک عصر تابستانی را به یک خاطره خوش تبدیل کند. خیلی وقت‌ها سینما رفتن بهانه‌ای است برای با هم بودن؛ چه با خانواده، چه با دوستان. اما تابستان امسال کمی متفاوت گذشت. جنگ ۱۲ روزه که در روزهای میانی این فصل آغاز شد، فضای عمومی کشور را تحت‌تأثیر قرار داد و سینما هم از این ماجرا بی‌نصیب نماند. فروش بلیت‌ها کاهش پیدا کرد، سالن‌ها خلوت‌تر شدند و سایه نگرانی و اضطراب، بر سر بسیاری از برنامه‌های فرهنگی افتاد. حتی بعد از پایان آن ۱۲ روز، فضای حاکم بر جامعه هنوز تحت تاثیر آن درگیری‌ها بود؛ و همین موضوع روی استقبال مخاطبان از سینما اثر گذاشت. قبل از آن هم به‌نظر می‌رسید سلطه فیلم‌های کمدی بر گیشه‌ها ادامه‌دار باشد. فیلم‌هایی که به‌دلیل فضای شاد و روایت‌های سرگرم‌کننده‌شان، تماشاگرانی را به سالن‌ها برگرداندند که شاید مدت‌ها از سینما فاصله گرفته بودند. اما آن روند هم با شروع جنگ دچار وقفه شد. اما حالا که تابستان رفته‌رفته جای خودش را به پاییز داده، نگاهی به آمار سینماها در فصل گرم امسال کمی جای فکر دارد. آمار رسمی اکران از اردیبهشت تا پایان شهریور، نشان می‌دهد که در همین شرایط هم سینماها توانستند بیش از ۱۰ میلیون و ۳۶۵ هزار نفر تماشاگر جذب کنند و به فروشی بالغ بر ۸۲۲ میلیارد و ۳۲۹ میلیون تومان دست پیدا کنند. عددی که اگرچه نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افت کرده، اما در فضای پرالتهاب این چند ماه، هنوز قابل‌قبول به نظر می‌رسد. برای مقایسه بد نیست بدانیم در پنج ماه نخست سال ۱۴۰۳، بیش از ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر به سینما رفته بودند. یعنی سینمای امسال بیش از سه میلیون نفر مخاطب کمتر داشته است. البته افزایش قیمت بلیت باعث شده مجموع فروش امسال نسبت به سال گذشته رشد داشته باشد؛ چراکه در همین بازه زمانی در سال ۱۴۰۳، فروش سینماها حدود ۷۴۳ میلیارد و ۵۹۱ میلیون تومان بوده است. در مجموع، از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا امروز، سینمای ایران حدود ۱۳ میلیون و ۹۷۳ هزار تماشاگر داشته و بیش از هزار و ۱۱۱ میلیارد تومان بلیت فروخته است.

قهرمانان گیشه در نیمه اول سال

در میان تمام فراز و نشیب‌هایی که سینمای تابستان امسال از سر گذراند، بعضی فیلم‌ها توانستند از دل چالش‌ها بیرون بیایند و مخاطب را جذب کنند. «پیرپسر» یکی از همین فیلم‌ها بود؛ فیلمی که برخلاف جریان غالب گیشه که معمولا با فیلم‌های کمدی شلوغ است توانست به‌خاطر بازخوردهای مثبت در فضای مجازی، توجه زیادی را جلب کند و برای سینمای غیرکمدی، یک موفقیت مهم محسوب شود. اگر در اطراف‌تان بپرسید، بعید نیست از هر ۱۰ نفر، ۵ نفر به سینما رفته و «پیرپسر» را دیده باشند. این فیلم توانست با تکیه بر تبلیغات دهان‌به‌دهان و نقدهای خوب کاربران، حضوری جدی در رقابت با فیلم‌های پرفروش کمدی داشته باشد. در کنار آن، «دایناسور» و «مرد عینکی» هم از دیگر فیلم‌های پرمخاطب این فصل بودند. این سه فیلم روی هم رفته توانستند بیش از ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر تماشاگر داشته باشند و چیزی حدود ۵۰۰ میلیارد تومان از کل فروش سینمای ایران را به خود اختصاص دهند. رقمی که سهم قابل‌توجهی در بازار سینمای امسال دارد و نشان می‌دهد هنوز هم فیلم‌هایی که بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند، می‌توانند موفق باشند؛ چه کمدی، چه غیرکمدی. در ادامه، نگاهی داریم به آمار رسمی فروش فیلم‌هایی که از اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ تا بامداد یکشنبه، ۳۰ شهریورماه، در سینماهای کشور اکران شده‌اند. این اطلاعات براساس داده‌های سامانه مدیریت فروش و اکران سینماها (سمفا) گردآوری شده و نمایی کلی از وضعیت گیشه در ماه‌های اخیر به ما می‌دهد.

کمدی همیشه می‌فروشد، حتی وقتی چیزی برای گفتن ندارد

علی کلانتری، منتقد سینما و تلویزیون، نگاهی دقیق‌تر به این موضوع دارد. او در پاسخ به این‌که کدام ژانرها در تابستان امسال موفق‌تر بودند، فورا به ژانر کمدی اشاره می‌کند. به گفته کلانتری، در سال‌های اخیر، دیگر تفاوتی نمی‌کند که زمستان باشد یا تابستان؛ «کمدی‌ها همیشه خوب می‌فروشند، حتی اگر چیزی برای گفتن نداشته باشند.» به‌اعتقاد این منتقد، ذائقه مخاطب باعث شده تا فیلم‌های کمدی، حتی با محتوایی نه چندان باکیفیت، از آثار اجتماعی پیشی بگیرند. فیلم‌هایی که با چند بازیگر مطرح، بیلبوردهای شهری و حتی شوخی‌های سطحی وارد بازار می‌شوند، اغلب به فروش قابل توجهی می‌رسند. با این حال، این منتقد به نکته‌ای تازه نیز اشاره می‌کند: در یکی دو ماه اخیر، فیلم‌های اجتماعی مثل پیرپسر یا ناتور دشت توانستند توجه مخاطبان را جلب کنند. این نشان می‌دهد که مخاطب هنوز هم می‌تواند با یک فیلم اجتماعی خوب ارتباط بگیرد، به شرطی که درست دیده شود. اما دیده‌شدن یک فیلم، تنها به کیفیت وابسته نیست. کلانتری تأکید می‌کند که تبلیغات، خصوصا در فضای مجازی، نقشی حیاتی در موفقیت یک فیلم دارد: « وقتی مدام در تلگرام یا اینستاگرام درباره فیلمی مثل پیرپسر می‌شنویم، کنجکاو می‌شویم که آن را ببینیم. این یعنی فیلم، پیش از آن‌که روی پرده موفق شود، در ذهن مخاطب جا باز کرده است. او از فقدان تبلیغات موثر برای فیلم‌های اجتماعی انتقاد دارد و مثالی روشن هم برای آن می‌زند: زیبا صدایم کن ساخته رسول صدرعاملی. این فیلم یکی از آثار اجتماعی خوب یکی دو سال اخیر بود، اما چون تبلیغات مناسبی نداشت، اصلا دیده نشد. در حالی که پتانسیل فروش خوبی داشت، حداقل به نظر من در حد پیرپسر.» کلانتری با نقد جدی‌تری به سراغ کمدی‌های حال حاضر سینما می‌رود. او می‌گوید که نسبت به اغلب کمدی‌هایی که این روزها روی پرده می‌روند، «گارد» دارد: «نه طنز تلخ داریم، نه کمدی معناگرا. بیشتر این فیلم‌ها گویی شوخی‌های مبتذل و دیالوگ‌های دم دستی هستند که واقعا در شأن سینمای ایران نیست.» در مقابل، این منتقد معتقد است که فیلم‌های اجتماعی اکران‌شده در ماه‌های اخیر کیفیت بالایی داشته‌اند. فیلم‌هایی که به گفته او، «مخاطب‌محور» بودند اما در حد کمدی‌های سطحی تبلیغ نشدند. علی کلانتری در آخر به نقش تعیین‌کننده فضای مجازی در موفقیت فیلم‌ها اشاره می‌کند: «امروز همه در گوشی‌هایشان با فیلم‌ها آشنا می‌شوند. اگر یک سکانس وایرال شود یا چند نفر درباره فیلمی خوب صحبت کنند، احتمال زیادی دارد که مردم سراغش بروند. اما بدون این جریان‌سازی، حتی بهترین فیلم‌ها هم نادیده می‌مانند.»

روایتی از زندگی زیر فشار تورم و تحریم‌های نو

سایه ماشه بر سفره ایرانی‌ها

مریم، که مادر یک دختر ۱۲ ساله است، می‌گوید هزینه‌های زندگی‌اش از درآمد مغازه پیشی گرفته‌اند: «دخترم کلاس زبان می‌رفت، مجبور شدم کنسل کنم. خرج مدرسه‌اش به همراه سرویس مدرسه در چند ماه اول سال تحصیلی حداقل ۲۰ میلیون می‌شود. تازه، اینها بدون هزینه‌های خورد و خوراک و موارد دیگر است. حالا اگر تحریم‌ها بیشتر و سخت‌تر شود و دلار که این چند روز بالاتر رفته است، هم بازار کساد‌تر می‌شود و هم جنس وارداتی دیگر نمی‌توانم بیاورم. شاید مجبور شوم مغازه را ببندم.»

فعال شدن مکانیزم ماشه، فراتر از قطعنامه‌ها و تحریم‌ها، زندگی روزمره ایرانی‌ها را نشانه گرفته است. دلار ۱۰۵ هزار تومانی، تورم ۴۲.۴ درصدی و پیش‌بینی تورم ۵۰ درصدی، اعدادی هستند که پشت هر کدامشان داستان خانواده‌ای نهفته است. کارشناسان هشدار می‌دهند که بازگشت تحریم‌ها نه‌تنها به کاهش صادرات نفت و درآمدهای ارزی منجر می‌شود، بلکه انتظارات تورم‌ی را هم شعله‌ور می‌کند

محبوبه دانش
هفت صبح

کارشناسان هشدار می‌دهند که ماشه، نه‌تنها خود تحریم، بلکه ماشه فقر و گرانی است. دلار آزاد در روزهای اخیر از ۹۸هزار تومان به ۱۰۵هزار تومان جهیده و پیش‌بینی می‌شود با بازگشت تحریم‌ها، فقر از ۳۰ درصد کنونی به ۴۰ درصد خانوارها سرایت کند که باعث کوچک شدن بیش از پیش سفره ایرانی‌ها و بخصوص کارگران و اقشار کم بضاعت می‌شود.

در گرمای نفسگیر شهریور ماه، سایه‌ای سنگین‌تر از همیشه بر اقتصاد ایران افتاده است؛ سایه‌ای به نام مکانیسم ماشه. این سازوکار حقوقی، که روزگاری در دل برجام برای حفظ تعادل طراحی شده بود، حالا با تصمیم سه کشور اروپایی از ۵ مهر، تحریم‌های شورای امنیت را دوباره بر ایران تحمیل می‌کند. شش قطعنامه قدیمی (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰) که روزی نماد انزوای اقتصادی ایران بودند، حالا بازمی‌گردند تا زخم‌های کهنه اقتصاد را تازه کنند.

اما این بار، داستان فراتر از سیاست است؛ تورم افسارگسیخته، دلار سر به فلک کشیده و سفره‌های خالی، حکایت زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی شده‌اند. مرکز آمار ایران در گزارش مردادماه خود، تورم سالانه را ۳۶.۳ درصد اعلام کرده است. تورم نقطه‌به‌نقطه ۴۲.۴ درصدی نشان می‌دهد که خانوارها برای همان سبد کالای پارسال، حالا باید ۴۲ درصد بیشتر هزینه کنند. کارشناسان هشدار می‌دهند که ماشه، نه‌تنها خود تحریم، بلکه ماشه فقر و گرانی است. دلار آزاد در روزهای اخیر از ۹۸ هزار تومان به ۱۰۵ هزار تومان جهیده و پیش‌بینی می‌شود با بازگشت تحریم‌ها، فقر از ۳۰ درصد کنونی به ۴۰ درصد خانوارها سرایت کند. اما این اعداد و ارقام چه معنایی برای مردم عادی دارند؟

نگرانی از نان شب قسطی

حسین خادمی، ۴۲ ساله، کارگر ساختمانی در محله نازی‌آباد، روی یک نیمکت فلزی در میدان میوه و تره‌بار نشسته و به کیسه پلاستیکی‌اش خیره شده است. دو عدد سیب‌زمینی، یک کیلو گوجه‌فرنگی و پیاز و کاهو؛ این تمام چیزی است که با ۲۰۰هزار تومان توانسته بخرد. او می‌گوید: «پارسال با ۱۰۰ هزار تومن می‌توانستم این اقلام را بخرم اما حالا گوجه کیلویی ۴۵ هزار تومن است، میوه‌های نوبرانه که سر به فلک می‌کشند و مرغ و گوشت هم که دیگر نمی‌توان به آن نگاه کرد.»

او با دست‌های پینه‌بسته‌اش به پیشانی‌اش می‌کشد و ادامه می‌دهد: «روزمزد کار می‌کنم. اگه کار باشد، روزی ۴۰۰ هزار تومان می‌گیرم. ولی کار نیست. دو ماه است که فقط ۱۰ روز کار کردم. من با همسر و دو فرزندم در یک خانه ۵۰ متری اجاره‌ای زندگی می‌کنم. اجاره‌اش ماهی ۵ میلیون تومان است و با درآمد نامنظم، گاهی مجبور می‌شوم از صاحبخانه مهلت بگیرم. الان که شنیده‌ام قرار است تحریم‌ها برگردد نگران شده‌ام و هر وقت اینجور صحبت‌ها می‌شود، همه‌چیز گران‌تر می‌شود.»

مرکز آمار نشان می‌دهد که دهک‌های پایین، با تورم ۳۶.۸ درصدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حالا فعال شدن مکانیزم ماشه یعنی یک فشار دیگر بر شانه‌های خسته طبقات محروم جامعه. طبقاتی که نمی‌دانند نهایت کوچک شدن سفره آنان تا کجاست؟

مریم. ق. کاسب بازار که ۴۸ ساله و صاحب یک مغازه کوچک پارچه‌فروشی در بازار تهران است؛ پشت پیشخوان مغازه‌اش که حالا غبار روی پارچه‌های رنگارنگش نشسته، با حسرت به دفتر حسابش نگاه می‌کند. وی به هفت‌صبح می‌گوید:«تا دو سال پیش، روزی ۵-۶ تا مشتری داشتم. حالا اگه یه نفر بیاید، خدا را شکر می‌کنم. الان قیمت پارچه‌های وارداتی با جهش دلار، دو برابر شده است. پارچه ترک بود متری ۲۰۰ هزار تومان، حالا ۴۵۰ تا ۸۰۰ هزار تومان شده است. چه کسی می‌تواند آن را بخرد؟»

مریم که مادر یک دختر ۱۲ ساله است، می‌گوید هزینه‌های زندگی‌اش از درآمد مغازه پیشی گرفته‌اند: «دخترم کلاس زبان می‌رفت، مجبور شدم کنسل کنم. خرج مدرسه‌اش به همراه سرویس مدرسه در چند ماه اول سال تحصیلی حداقل ۲۰ میلیون می‌شود. تازه، اینها بدون هزینه‌های خورد و خوراک و موارد دیگر است. حالا اگر تحریم‌ها بیشتر و سخت‌تر شود و دلار که این چند روز بالاتر رفته است، هم بازار کسادتر می‌شود و هم جنس وارداتی دیگر نمی‌توانم بیاورم. شاید مجبور شوم مغازه را ببندم.

یک قدم به سمت فقر بیشتر

کسب‌وکارهای کوچک مثل مغازه مریم، ستون فقرات اقتصاد بازار هستند، اما زیر فشار تورم و کاهش قدرت خرید مردم، کمرشان خم شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری ۲۶۳ میلیون تومان است، اما هزینه‌ها به ۲۴۰ میلیون تومان رسیده است. با تورم ماهانه ۲.۹ درصدی، مریم و امثال او در تله‌ای گرفتار شده‌اند که نه می‌توانند قیمت‌ها را بالا ببرند و نه می‌توانند مشتری جذب کنند.

زندگی متغیر احمد محمدی، ۶۵ساله، کارمند بازنشسته دولتی، در محله جوادیه زندگی می‌کند. او هم به هفت‌صبح می‌گوید: «پارسال با ۱۲ میلیون حقوق بازنشستگی، می‌توانستم یک جوری زندگی را بچرخانم. حالا همان گوجه، سیب، گوشت و سبزی و ... دو سه برابر شده است.» وی بیان می‌کند که پسرش در دانشگاه دولتی درس می‌خواند، به تازگی شغل پاره‌وقت پیدا کرده تا کمک‌خرج خانواده باشد. او هم نگران تشدید تحریم‌هاست.

«این ماشه که می‌گویند، دقیق نمی‌دانیم یعنی چی؟ یعنی بدتر از این هم می‌شود؟ ما با افزایش قیمت دلار در بازار می‌فهمیم که چه شده و هر روز از خودمان می‌پرسیم اگه اقلام خوراکی گران‌تر شود، دیگر چه بخوریم؟»

احمد می‌گوید که بسیاری از دوستان بازنشسته‌اش به کارهای پاره‌وقت روی آورده‌اند، از رانندگی تا نگهبانی. اما از دید او کار کردن در ایام بازنشستگی با کهولت سن و بیماری‌هایی که دارند عادلانه نیست.

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که دهک‌های میانی، مثل احمد، با تورم ۳۵.۸ درصدی روبه‌رو هستند، اما فاصله بین درآمد و هزینه‌ها هر روز بیشتر می‌شود. برای او، ماشه یعنی یک قدم دیگر به سوی فقر بیشتر.

آینده‌ای در سایه ماشه

حسین، مریم و احمد، هر کدام از زاویه‌ای متفاوت، درد مشترکی را روایت می‌کنند: فشار اقتصادی که با هر تصمیم سیاسی، سنگین‌تر می‌شود. فعال شدن مکانیزم ماشه، فراتر از قطعنامه‌ها و تحریم‌ها، زندگی روزمره ایرانی‌ها را نشانه گرفته است. دلار ۱۰۵هزار تومانی، تورم ۴۲.۴ درصدی و پیش‌بینی تورم ۵۰ درصدی، اعدادی هستند که پشت هر کدامشان داستان خانواده‌ای نهفته است. کارشناسان هشدار می‌دهند که بازگشت تحریم‌ها نه‌تنها به کاهش صادرات نفت و درآمدهای ارزی منجر می‌شود، بلکه انتظارات تورمی را هم شعله‌ور می‌کند. روزهای گذشته یک کارشناس اقتصادی، آلبرت بغزیان در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفته است: «ماشه، مثل بنزین روی آتش تورم است. وقتی دلار گران می‌شود، همه‌چیز گران می‌شود.» بنابراین برای حسین، این یعنی نان خالی روی سفره؛ برای مریم، تعطیلی مغازه؛ و برای احمد، شرمندگی مقابل خانواده. مکانیزم ماشه، شاید در اتاق‌های مذاکره اروپا متولد شده باشد، اما سایه‌اش روی سفره‌های ایرانی افتاده است. در این میان، مردم عادی، با دست‌های خالی و قلب‌های پرامید، هنوز در حال مبارزه با غول تورم و تحریم هستند. آینده چه خواهد شد؟ شاید فقط زمان پاسخ این سوال را بداند.

یادداشت

خشکسالی بلای جان قنات ها

تنش آبی، گردشگری روستایی و توسعه پایدار در ایران

محمد صیادی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

ایران با اقلیم خشک و نیمه خشک خود سال‌هاست با بحران آب و خشکسالی روبه‌رو است؛ بحرانی که هم معیشت روستایی را تهدید می‌کند و هم مسیر توسعه گردشگری پایدار را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

قنات‌ها، که روزگاری شاهکار مهندسی ایرانیان بودند و آب بیش از ۶۰ هزار روستا را تأمین می‌کردند، امروز در اثر حفر بی‌رویه چاه‌ها و استفاده از موتور پمپ‌ها، بیش از ۹۰ درصد آن‌ها خشک شده‌اند. برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی موجب وقوع بحران‌های زیست محیطی گوناگون شده است: خشک شدن تالاب‌ها، فرونشست زمین، شوری خاک و توفان‌های شن و گرد و غبار. این پیامدها نه تنها محیط زیست روستایی را تخریب کرده‌اند، بلکه جاذبه‌های طبیعی گردشگری را تهدید کرده و توان اقتصادی جوامع محلی برای سرمایه‌گذاری در گردشگری را تقلیل داده‌اند.

آمارها نشان می‌دهند بین سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۹۲ تعداد چاه‌های عمیق در ایران بیش از ۱۶.۷ برابر افزایش یافته و داده‌های ماهواره‌ای (۱۴۰۱–۱۳۸۰) نشان می‌دهد که سطح آب زیرزمینی به طور متوسط سالانه حدود ۲۸ تا ۲۹ سانتی‌متر افت کرده است. این روند، حیات اقتصادی و اجتماعی روستاها را با خطر جدی مواجه می‌کند.

برای حرکت به سمت توسعه گردشگری پایدار، مدیریت علمی و نوآورانه منابع آب ضروری است. فناوری‌های پیشرفته شیرین سازی آب مانند اسمز معکوس می‌تواند آب غیرقابل شرب، آب دریا و حتی فاضلاب شهری را به آب مناسب مصرف کشاورزی و انسانی تبدیل کند. برندهایی مانند شرکت Toray ژاپن در این زمینه بسیار معتبر هستند. این فناوری، ضمن کاهش فشار بر منابع آب شیرین، می‌تواند در مسیر بازگشت رونق به گردشگری روستایی نیز نقشی کلیدی ایفا کند.

حفظ و احیای سیستم‌های سنتی مانند قنات‌ها نیز باید در سیاست‌های توسعه پایدار لحاظ شود. سلطنت عمان نمونه‌ای موفق در این زمینه است؛ در سال ۱۳۸۵، پنج سیستم سنتی آبیاری موسوم به (افلاج) را در یونسکو ثبت کرد. افلاج یک سیستم سنتی آبیاری است و شامل پنج سیستم آبیاری سنتی مانند کاریز و قنات (کانال‌های زیرزمینی یا روزمینی) می‌شود که آب را از منابع طبیعی به زمین‌های کشاورزی منتقل می‌کند.

این اقدام نه تنها به حفاظت از دانش سنتی مدیریت آب کمک کرده، بلکه ارزش‌های فرهنگی و گردشگری این منابع را نیز ارتقاء داده است. سرمایه‌گذاری هم زمان در فناوری‌های نوین، حفاظت از منابع سنتی و آموزش جوامع محلی می‌تواند ضمن مدیریت بحران آب، حرکت گردشگری روستایی را به سوی توسعه پایدار سوق دهد، مهاجرت معکوس را تقویت و معیشت روستاها را پشتیبانی کند.

گزارش

خیابان ولیعصر در حال از دست دادن سبز ترین سرمایه‌اش است، درختانی که روزی شناسنامه تهران بودند

متهم جدید خشک شدن درختان ولیعصر

رئیس مدیریت بحران سازمان هواشناسی گفته که دلیل بخشی از خشکیده شدن درختان ولیعصر، سیستم فاضلاب و آبیاری این محدوده است

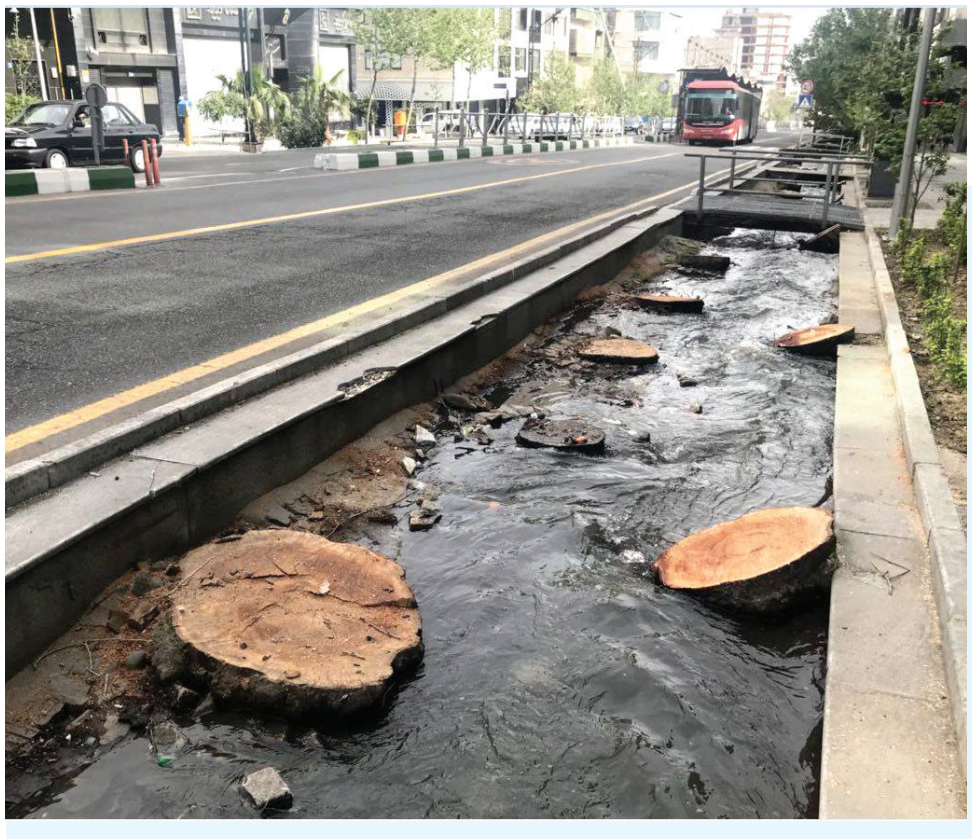

پرونده قطع درختان خیابان ولیعصر موضوع جدیدی نیست. کافی است سری به آرشیو رسانه‌ها بزنید تا با اخباری روبه‌رو شوید که هر سال تکرار شده‌اند و هربار هم نشان از قطع یا خشکیده شدن تعدادی از درختان این طولانی‌ترین خیابان خاورمیانه می‌دهند.

خیابان ولیعصر، بلندترین خیابانِ (درخت کاری شده) در تهران و خاورمیانه با درازای ۱۸کیلومتر و همچنین جزو ده خیابان بلند در جهان است که از میدان راه‌آهن در میانه جنوبی تهران آغاز شده و به میدان تجریش در منطقه شمیران در شمال تهران می‌رسد.

اما مهمترین شاخصه این خیابان، شاید درختان کهنسال آن باشند. در سال ۱۳۱۸، سرتاسر خیابان از دو طرف با ۱۸ هزار درخت چنار توسط زنده یاد کریم ساعی پوشیده شد. با این حال بی‌توجهی به این گنج طبیعی باعث شد تا در سال ۱۳۹۷، پیروز حناچی، شهردار وقت تهران، چنارهای باقیمانده را ۱۵ هزار و در شهریور ماه ۱۳۹۸، زهرا صدراعظم نوری، عضو کمیسیون محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران، این تعداد را ۸هزار چنار اعلام کنند.

تکرار یک سناریوی قدیمی

طی سال‌های اخیر و همزمان با توسعه فضای مجازی، شهروندان بارها فیلم‌هایی را از قطع یا خشک شدن این درختان گرفته و در شبکه‌های مجازی منتشر کرده‌اند که با واکنش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. به عنوان مثال مرداد ماه سال گذشته بود که تصاویری در شبکه‌های اجتماعی با عنوان درخت‌کُشی در شمال تهران منتشر شد که در آن به قطع درختان در شب اشاره شده و قطع آنان را بدون مجوز میراث غیرقانونی می‌کردند. از سویی بهمن ماه نیز مهدی بابایی، عضو شورای شهر تهران تغییر اقلیم را مهم‌ترین دلیل خشکی درختان چنار خیابان ولیعصر عنوان کرده است.

در همان سال همچنین قطع عمدی ۱۳ درخت در منطقه یک تهران در فضای مجازی با واکنش‌های مختلفی از سوی شهروندان مواجه شد و گلایه بسیاری را به همراه داشت. موضوعی که با ورود شهروندان به ماجرا در نهایت باعث جریمه شدن ۱۱۷ میلیارد تومانی مالک ساختمانی که درختان مقابل مغازه‌اش را سربریده بود، شد.

سال ۱۴۰۱ نیز از بین رفتن ۱۰ اصله درخت کهنسال در این خیابان با حاشیه‌هایی همراه شد. آن زمان ذبیح‌الله اعظمی، سخنگوی کمیسیون کشاورزی آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس با اشاره به ورود این کمیسیون به موضوع خشک‌شدن درختان چنار خیابان ولیعصر تهران، گفته بود به نظر من علت خشک شدن می‌تواند ریختن سم و نفت و موادی نظیر این‌ها باشد؛ استفاده از همه این مواد محتمل است و مالک ملک مقابل این درختان باید حتما پاسخگو باشد.

یک فرضیه جدید

در طول این مدت، تاکنون فرضیه و اتفاقات متفاوتی به عنوان دلایل خشکیدگی درختان خیابان ولیعصر مطرح شده؛ از تغییرات اقلیمی تا آفت زدگی و حتی ساخت و سازهای بی‌رویه، اما کمتر کسی به ارتباط فرسودگی لوله‌کشی‌های زیرزمینی توجه کرده است. نکته زمانی قابل توجه می‌شود که این مسئله با مدیریت منابع آب پیوند می‌خورد.

حالا اما رئیس مدیریت بحران سازمان هواشناسی گفته که دلیل بخشی از خشکیده شدن درختان ولیعصر، سیستم فاضلاب و آبیاری این محدوده است. وی در این زمینه گفته: «بازچرخانی آب از مهم‌ترین موضوعاتی است که در ایران به آن توجه کافی نشده است. بسیاری از شهرهای ما حتی سیستم جمع‌آوری فاضلاب و تصفیه ندارند و تنها معدودی مانند تهران چنین امکاناتی دارند. هر جا سیستم جمع‌آوری وجود نداشته باشد، طبیعتا بازچرخانی هم ممکن نیست و آب فاضلاب به شکل غیر تصفیه وارد محیط می‌شود. این موضوع علاوه بر هدررفت آب، آلودگی خاک و منابع طبیعی را نیز به دنبال دارد.»

وی نمونه بارز این وضعیت را فاضلاب بندرعباس می‌داند و همان فاضلابی که نماینده هرمزگان با ایستادن جلوی خروجی آن به دریا، تلاش کرد توجه‌ها را به آلودگی دریایی جلب کند. حال تصور کنید چنین وضعیتی در دریای بسته‌ای مانند خزر چه پیامدهایی دارد، به‌ویژه که بسیاری از شهرهای شمالی نیز فاقد شبکه فاضلاب‌اند. از سوی دیگر، فاضلاب روستاها و شهرهای کوچک که در مسیر رودخانه‌ها هستند، وارد منابع آبی می‌شود و در نهایت به همان سدهایی می‌ریزد که آبشان برای شرب تصفیه و مصرف می‌شود.»

عامل جدیدی به نام شبکه فرسوده آبرسانی

وظیفه با ذکر اینکه در کنار این مشکل، شبکه آبرسانی کشور نیز فرسوده بوده و نیاز به تعمیر و بازسازی دارد می‌گوید: سرمایه‌گذاری کافی در این بخش نشده و همچنان از طراحی‌های قدیمی استفاده می‌شود. لوله‌ها در زیر خاک دفن می‌شوند و دسترسی به آن‌ها بسیار دشوار است. در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر، مسیر آب، برق و تاسیسات شهری در زمین و در کانال‌های خاص در دسترس دائمی قرار دارد و در صورت لزوم امکان تعمیر و رفع مشکلات نشتی را سریع فراهم می‌کنند. اما در ایران، هر بار به خاطر وجود مشکلی در شبکه مخابرات، برق یا گاز و آب مسیرهای مربوطه در خیابان‌ها کنده می‌شود.»

وی در نهایت با ربط دادن این موضوع با قطع درختان ولیعصر مدعی شده که مثال روشن این وضعیت، همین خیابان طولانی است که بارها برای تعویض کابل برق یا مخابرات در طول چندین کیلومتر کانال‌هایی کنده می‌شود و سپس با خاک پر می‌شود. در این فرآیند، ریشه درختان در عمق یک متری یا بیشتر در پیاده‌روها قطع می‌شود. همین امر یکی از دلایل خشکیدگی درختان این خیابان تاریخی می‌تواند باشد.»

مصاحبه دو ماه پیش من را دوباره منتشر کنید

کلارنس سیدورف باید جوابگوی نتایج استقلال باشد!

مهدی یکتا
هفت صبح

کاپیتان سابق استقلال می گوید دو ماه پیش این روزهای ساپینتو را پیش‌بینی کرده است!

حدود ۲ ماه پیش مهدی پاشازاده درحاشیه مراسم رونمایی و جشن امضای کتاب آبی آنتیک نوشته ابراهیم افشار در مواجهه با خبرنگاران و درباره شرایط آن روزهای استقلال گفته بود:

«مگر بقیه چه کار کردند که مجتبی جباری نکرد؟ قطعا اگر به جباری در استقلال فرصت داده می‌شد بازهم می‌توانست نتیجه بگیرد؛ ضمن آنکه نباید چنین برخوردی با سیدحسین حسینی می‌شد.»

مدافع سابق تیم ملی و استقلال در خصوص انتخاب ریکاردو ساپینتو به عنوان سرمربی جدید آبی‌ها نیز خاطرنشان کرده بود: «همین پکیج را دو سال پیش هم داشتیم، مگر جام گرفتیم؟!»

به همین بهانه و پس از تساوی ۲-۲ استقلال مقابل تیم ۱۰نفره پیکان، سراغ مهدی پاشازاده رفتیم.

شما فکرش را می‌کردید استقلال ۷ گل از الوصل بخورد و نتواند تیم ۱۰نفره پیکان را در تهران شکست دهد؟

لطفا بروید مصاحبه دو ماه پیش من را در مراسم رونمایی از کتاب آبی آنتیک را ببینید و دوباره منتشر کنید!

اتفاقا به همین خاطر با شما تماس گرفتیم! از کجا این روزها را پیش‌بینی می‌کردید؟

هنر خاصی نمی‌خواست! مشابه همین حرف‌ها را در جلسه با آقای علی تاجرنیا زده بودم و این نیست که امروز سوار موج شوم.

اساسا چرا ریکاردو ساپینتو به عنوان سرمربی استقلال برگزیده شد؟

نمی‌دانم اما حدس می‌زنم به خاطر فضای مجازی این انتخاب انجام شد! متأسفانه چند سالی می‌شود تصمیمات باشگاه بزرگ استقلال براساس فضای مجازی گرفته می‌شود وگرنه همین ساپینتو، همین کادر و همین سرپرست دو، سه سال پیش چه گلی به سر استقلال زده بود؟ چه جامی گرفته بود؟ حداقل مجتبی جباری قهرمان جام حذفی شده بود اما او را کنار گذاشتند، چرا؟ من آدمی نیستم که نان را به نرخ روز بخورم و الان بیایم انتقاد کنم چون فضای مجازی و حقیقی علیه ساپینتو شده است. این روزها را می‌دیدم و مثل روز برای من روشن بود استقلال به مشکل برخواهد خورد. فکر می‌کنید چرا سیدحسین حسینی جواب شد؟

ریکاردو ساپینتو توضیح مفصلی در این رابطه داد ولی ظاهرا خودش او را نخواست؟

نه! فضای مجازی سیدحسین حسینی را از استقلال گرفت. فضای مجازی با سوءاستفاده از احساسات پاک هواداران کم سن و سال استقلال، علیه کاپیتان تیم سمپاشی کرد و دوستان و حتی ساپینتو هم سوار موج شده و عذر سیدحسین را خواستند. حالا چرا همین فضای مجازی علیه گلر بازنشسته اسپانیایی حرفی نمی‌زند و چیزی نمی‌نویسد؟!

مشکل اصلی استقلال بعد از بحث فضای مجازی، به نظر شما چیست؟

مشکل اصلی استقلال کمبود مدیریت ورزشی است. این تیم پول دارد، مدیرعامل و هیئت مدیره هم دارد اما مدیرورزشی ندارد!

اما کلارنس سیدورف به نوعی مدیرورزشی این باشگاه محسوب می‌شود. اینطور نیست؟

سیدورف اگر مدیرورزشی است باید الان جوابگوی نتایج استقلال هم باشد. آیا پاسخگوست؟!

با شاهرخ بیانی که صحبت می‌کردیم به کلارنس سیدورف لقب دلال و کلاهبردار داد؟

من چنین حرفی نمی‌زنم و اتفاقا معتقدم سیدورف فوتبالیست بزرگی بوده است اما باید توضیح دهد که چرا ریکاردو ساپینتو به عنوان سرمربی تیم برگزیده شده و دلیل خریدهای این چنینی چه بوده است؟ چرا باید یک گلر بازنشسته و ۳۸ساله که از قضا یک سال هم بازی نکرده و از میادین رسمی دور بوده با استقلال قرارداد سنگین ببندد؟ سایر خریدها چگونه و با چه دیدگاهی انجام شده است؟

اغلب استقلالی‌ها از جمله علیرضا منصوریان مشکل این تیم را خرید بازیکن از امیرهوشنگ سعادتی و یک ایجنت می‌دانند. شما با این گروه موافقید؟

به نظر من امیر هوشنگ سعادتی مقصر نیست. مقصر کسان دیگری هستند و باید یک مثال برای شما بزنم. قرار است من به بازار بروم و برای خانه‌ام خرید کنم. اگر من بازار را نشناسم یا اینکه قیمت واقعی جنس مورد نظرم را ندانم طبیعی است سرم کلاه بگذارند.

شاید هم با خرید از یک ایجنت خاص، منافع بعضی‌ها بهتر و بیشتر تأمین می‌شود یا شده است؟!

من نمی‌توانم دقیق نظر بدهم چون به باشگاه نزدیک نیستم اما به هر حال اتفاق مشکوکی است. با این وجود من از امیرهوشنگ سعادتی خرده نمی‌گیرم چون کار او فروش بازیکن است. رامین رضاییان هم با سعادتی به استقلال آمد و این وظیفه باشگاه است که هر بازیکنی را نخرد. استقلال تیم بزرگی است و باید بهترین‌ها جذب این تیم شوند.

بی‌تعارف نظر شما درباره اسکواد استقلال چیست؟

اسکواد بدی نیست اما این تیم در برخی پست‌های کلیدی مثل دروازه‌بان دچار مشکل است و ضعف دارد. باز تکرار می‌کنم که خرید بازیکن باید براساس نیازهای تیم باشد نه اینکه شما نقطه قوت تیم را اخراج می‌کنید و آن را تبدیل به نقطه ضعف می‌کنید. آیا این کار منطقی است؟

اگر دست شما باشد سیدحسین را برمی‌گردانید؟

سیدحسین حسینی درحال حاضر بازیکن تیم سپاهان اصفهان است و با این تیم قرارداد دارد. بعید می‌دانم باشگاه سپاهان رضایتنامه حسینی را حتی در نیم‌فصل بدهد اما استقلال در پست گلری خودش ضعف دارد و نباید تقصیرات را فقط گردن مدافعان بیندازیم. شما بروید تعداد گل‌های خورده تیم در همین چند بازی گذشته را بشمارید تا بیشتر متوجه نقطه ضعف تیم شوید.

به عنوان حسن‌ختام این گفت‌وگو و با توجه به شناختی که از شما دارم فکر می‌کنید مهدی پاشازاده چرا برای همکاری به باشگاه استقلال دعوت نمی‌شود؟

کاری ندارید؟! (با خنده) خدا نگهدار!

حاشیه

کاهش ۴۲هزاری ویروس هپاتیت بازیکن پرسپولیس

سرژ اوریه به بازی با ملوان می‌رسد؟

احتمال دارد وحید هاشمیان این هفته از سرژ اوریه در سمت راست خط دفاعی خود استفاده کند.

روز پنجشنبه هفته جاری و در چارچوب هفته پنجم مسابقات لیگ برتر، تیم پرسپولیس میزبان ملوان انزلی است.

وحید هاشمیان و شاگردانش در پایان هفته چهارم با کسب ۶ امتیاز در رتبه ششم جدول رده‌بندی قرار گرفته‌اند. بنابراین پرسپولیس نیاز مبرمی به پیروزی و برد در این دیدار خانگی دارد تا جایگاه خودش در صدر جدول را بهتر کند.

در این میان وحید هاشمیان هنوز نتوانسته از همه بضاعت خود استفاده کند و یکی دو غایب مهم در ترکیب تیمش داشته است.

سرژ اوریه مدافع راست سابق پاری سن ژرمن و تاتنهام یکی از مهم‌ترین یا شاید بتوان گفت مهم‌ترین خرید تابستانی پرسپولیس بود که به دلیل ابتلا به بیماری هپاتیت هنوز نتوانسته برای تیم جدیدش به میدان برود.

هپاتیت B بیماری‌ای است که از طریق خون و زخم منتقل می‌شود و در رشته‌هایی مانند کشتی و بوکس که احتمال خونریزی و تماس خون افراد با یکدیگر وجود دارد، اهمیت بیشتری دارد اما در فوتبال می‌توان گفت هیچ منعی برای بازی کردن افراد مبتلا وجود ندارد. در برخی موارد، تنها نیاز به درمان و پیگیری روند درمان فرد وجود دارد البته این بازیکن نیاز به درمان و پیگیری دارد. با این وجود سازمان لیگ جلوی بازی کردن سرژ اوریه را گرفت.

البته میزان ویروس در خون یکی از شاخص‌های مهم برای تصمیم‌گیری در خصوص درمان هپاتیت B است. این بیماری از راه خون منتقل می‌شود و از طریق بزاق دهان یا عرق بدن انتقال نمی‌یابد. تعداد ویروس هپاتیت در بدن سرژ اوریه ۵۷ هزار بوده که الان طبق گفته نزدیکان تیم پرسپولیس به عدد ۱۵ هزار رسیده است.

به عبارت دقیق‌تر سرژ اوریه با مصرف قرص و پیگیری روند درمانی خود توانسته است تعداد ۴۲ هزار ویروس را از بدن خود کم کند و به زودی به شرایط نرمال خواهد رسید.

شنیدیم سرژ اوریه می‌تواند ظرف دو، سه روز آینده این ۵ هزار ویروس را از بدن خود دفع کرده و آماده آزمایش جدید در ایفمارک شود.

در این صورت مدافع راست اهل ساحل‌عاج پرسپولیس قادر است تیمش را همراهی کند.

در غیاب سرژ اوریه، سرمربی تیم پرسپولیس بازیکنان مختلفی از یعقوب براجعه بگیرید تا سهیل صحرایی و حتی میلاد محمدی را در سمت راست خط دفاعی تیمش به کار گرفته اما هیچ یک نتوانسته‌اند به طور کامل رضایت وحید هاشمیان را جلب کنند.

هاشمیان بی‌صبرانه منتظر آزمایش خون بعدی سرژ اوریه است و در صورت رسیدن به شرایط نرمال بعید نیست در بازی با ملوان انزلی از او استفاده کند.

جالب آنکه از تمرینات پرسپولیس خبر می‌رسد سرژ اوریه یکی از بهترین و آماده‌ترین نفرات است که ارسال‌هایش همه را به وجد می‌آورد!

حوادث

در گیری خانوادگی منجر به قتل پیرمرد ۹۰ ساله به دست پسر معتادش شد

به عشقم نرسیدم، پدرم را کشتم

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

آرمان که شکست عشقی و اعتیاد، زندگی‌اش را فرو ریخته بود، پس از درگیری خانگی پدر ۹۰ساله‌اش را روانه بیمارستان کرد؛ پیرمرد چند روز بعد درگذشت و پسر پس از بازداشت گفت:«قصد کشتن نداشتم.»ژ ساعت ۹شب سی‌ویکم شهریور، خبر مرگ مشکوک مردی ۹۰ساله به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. مأموران انتظامی و تیم جنایی سریعاً به بیمارستان محل بستری او اعزام شدند؛ پزشک معالج به بازپرس اطلاع داد آثار کبودی و شکستگی بر بدن مقتول دیده می‌شود و بر همین اساس دستور آغاز تحقیقات از اعضای خانواده صادر شد.در همین حال جسد با دستور بازپرس جنایی برای بررسی و معاینات لازم به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد.

اولین تحقیقات

پسر مقتول که نخستین اظهاراتش در محل بررسی شد، گفت:«آن شب همه اعضای خانواده به بهانه آشتی در خانه جمع بودند.» او افزود:«حدود سه هفته قبل میان پدر و برادرم اختلافی رخ داده بود که در جریان آن پدر مجروح و مدتی در بیمارستان بستری شد و برادرم به نام آرمان قهر کرد که قهر آرمان طولانی‌مدت شده بود. اعضای خانواده برای آشتی او را به خانه بازگرداندند اما در جریان شام حال پدر بد شد و به بیمارستان منتقل شد و چند روز بعد درگذشت.» با جمع‌بندی اظهارات اولیه و مشاهدات پزشک معالج، بازپرس پرونده دستور بازداشت آرمان را صادر کرد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی وارد عمل شدند. در جریان بررسی‌ها نقطه‌به‌نقطه روایت خانواده و شهود مورد بازنگری قرار گرفت و سرانجام آرمان، پسر جوان خانواده، بازداشت شد.

اعترافی تلخ در بازجویی

آرمان در مواجهه با بازپرس نخستین بار اقرار کرد که درگیری‌ای میان او و پدر رخ داده و آنچه در جریان درگیری اتفاق افتاده، ناخواسته بوده است.

او در نخستین اظهارات خود در برابر مأموران گفت: «من قصدم کشتن پدرم نبود؛ درگیری شد و او آسیب دید. از آنچه رخ داد عمیقاً پشیمانم.» این اقرار اولیه، پایه تحقیقات جنایی را شکل داد و بازپرس جنایی جهت بررسی دقیق‌تر و تکمیل تحقیقات دستورات لازم را صادر کرد. در ادامه بازجویی‌ها، آرمان به سابقه‌ای شخصی اشاره کرد که می‌تواند بخشی از انگیزه درگیری را روشن کند. او روایت کرد که پس از تجربه شکستی عاطفی، زندگی‌اش به مسیر دیگری افتاده است: «من عاشقِ مهتاب بودم؛ دختری از خانواده‌ای نزدیک. زمانی که خانواده او مخالفت کردند و چند ماه بعد هم مهتاب ازدواج کرد، دنیا روی سرم خراب شد. آن حادثه نقطه آغازی شد برای مصرف مواد.»

آرمان توضیح داد که اعتیاد به ماده مخدر، رابطه‌اش با خانواده را به‌هم ریخته بود: «برای تأمین هزینه‌ها به خانواده‌ام پناه می‌بردم و آنها هر بار برای ترک مرا به کمپ فرستادند اما نتیجه‌ای نداشت. اختلاف خانوادگی با برادرم برسر تأمین هزینه مواد به نزاع کشیده شد و سه هفته پیش من پدرم را کتک زدم؛ او برای مدتی در بیمارستان بستری شد.»

او بازگشت به جمع خانوادگی برای آشتی را نیز روایت کرد و گفت شب حادثه برای پایان دادن به اختلاف دعوت شده بود: «ما دور سفره شام جمع شدیم اما بحث دوباره بالا گرفت. پدرم در حالی که ضعیف و ناتوان بود، بی‌حال شد. او را به بیمارستان بردند اما چند روز بعد فوت کرد.» آرمان بار دیگر تأکید کرد که قصد نداشت پدرش را بکشد و از حادثه ابراز پشیمانی کرد.

روند قضایی و ادامه تحقیقات

پس از اعتراف اولیه، بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی دستور انتقال آرمان به اداره آگاهی را صادر و پرونده برای بررسی بیشتر مدنظر قرار گرفت. مقام قضایی خواستار انجام معاینات تکمیلی، جمع‌آوری گزارش پزشک قانونی و بررسی دقیق‌تر صحنه و شواهد شد تا مشخص شود صدمات وارده چگونه و به چه ترتیبی اتفاق افتاده است.

همزمان، کارآگاهان به استماع اظهارات شاهدان و دیگر اعضای خانواده پرداختند و تلاش دارند هرگونه تناقض در روایت‌ها را بررسی کنند.

در ادامه گزارش، گفت‌وگوی خبرنگار ما با متهم پرونده را بخوانید.

گفت‌وگو با متهم

پسر شیشه‌ای که در جریان شکست عشقی زندگی خود را نابود کرده بود، مدعی است قصد کشتن پدرش را نداشته است.

چه شد که تصمیم به قتل پدرت گرفتی؟

قصدم کشتن او نبود؛ در درگیری او آسیب دید و از اتفاقی که افتاده به شدت پشیمانم.

اختلافت با پدرت سر چه بود؟

همه چیز برمی‌گردد به شکست عشقی که در زندگی خوردم.

بیشتر توضیح می‌دهی؟

عاشق مهتاب بودم. او دختر یکی از اقوام بود و از شانس بد من بین خانواده من و مهتاب اختلاف افتاد. این اختلاف باعث شد زمانی که به خواستگاری مهتاب رفتم به من پاسخ منفی دادند. برای اینکه لج مرا دربیاورند و ثابت کنند که با ازدواج دخترشان با من مخالفند، ۶ ماه بعد مهتاب ازدواج کرد. با ازدواج او دنیا روی سرم خراب شد و زندگی‌ام نابود شد. حالم خیلی بد بود و دوستان ناباب به من پیشنهاد دادند که برای فراموش کردن مهتاب، بهتر است مواد مصرف کنم.

و تو معتاد شدی؟

دقیقا. اعتیاد به شیشه نه‌تنها باعث نشد مهتاب را فراموش کنم بلکه از کار هم بیکار شدم. برای تامین هزینه موادم مجبور بودم که از خانواده‌ام پول بگیرم و آنها با این موضوع مخالفت می‌کردند.

تصمیم نداشتی ترک کنی؟

نمی‌خواستم یا نمی‌توانستم. نمی‌دانم ولی هر چه بود ترک نکردم. خانواده‌ام حتی مرا برای ترک اعتیاد به کمپ بردند اما فایده‌ای نداشت.

از درگیری با پدرت بگو

سه هفته قبل برسر پولی که می‌خواستم هزینه مواد کنم با پدرم دعوایم شد و او را کتک زدم. حال پدرم بد شد و یک هفته‌ای هم در بیمارستان بستری شد. من هم در این مدت قهر کردم و به خانه نمی‌آمدم. تا اینکه خواهر و برادرهایم تماس گرفتند و مرا به مراسم آشتی‌کنان دعوت کردند. شب حادثه سر سفره شام بودیم که حال پدرم بد شد و او را به بیمارستان رساندند که متاسفانه فوت کرد.

پشیمانی؟

من اصلا قصد کشتن پدرم را نداشتم؛ شکست عشقی و اعتیادم باعث شده بود که این اتفاقات بیفتد.

پچ‌پچ‌های گروه دوستی رنگ خون گرفت

راز جنایت مهمانی در گم‌شدن گوشی

رسیدگی به این جنایت اواسط سال گذشته با اعلام از سوی کادر درمان یکی از بیمارستان‌های حاشیه تهران در دستور کار جنایی قرار گرفت. در گزارش ابتدایی پزشکان ذکر شده بود که دختر ۲۲ ساله‌ای به نام بهناز با زخم‌ها و سوختگی‌های عمیقی به بیمارستان منتقل شد اما از همان بدو ورود به دلیل شدت اصابت‌های وارد شده جان خود را از دست داده بود.

به این ترتیب تیم جنایی و کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را کلید زدند و مشخص شد بهناز در زمان وقوع جنایت در یک مهمانی شرکت کرده بود و این حادثه در جریان همان مهمانی در خانه‌ای واقع در قلعه‌حسن‌خان برای او رخ داده بود. سپس تعدادی از شرکت کنندگان در مهمانی بهناز را به بیمارستان رساندند اما دیگر کار از کار گذشته بود و او جانش را از دست داد.

بنابراین افراد حاضر در مهمانی هدف تحقیقات قرار گرفتند.

دستگیری مظنونین

تحقیقات از چند جوان همراه بهناز آغاز شد و مشخص شد که آنها با نقشه قبلی اقدام به شکنجه بهناز کرده بودند. یکی از آنها به نام امید در اعترافات اولیه در مورد شکنجه مرگبار گفت:«ما یک گروه دوستی بودیم که خیلی وقت‌ها با همدیگر مهمانی و تفریح می‌رفتیم. بهناز و یکی از اقوام نزدیکش به نام نازنین نیز همیشه همراه ما بودند تا اینکه این اواخر هر بار جایی می‌رفتیم وسیله‌ای گم می‌شد. بچه‌ها به بهناز شک کرده بودند و می‌گفتند او در مهمانی‌ها وسایل صاحبخانه یا مهمان‌ها را برمی‌دارد اما علیه او هیچ مدرک قابل اثباتی نداشتند. یک بار وسایل آرایشی گم شده بود و بار دیگر فندک یکی از بچه‌ها تا اینکه آخرین بار همگی در خانه یکی از دوستانمان به نام سینا جمع بودیم. وقتی مهمانی تمام شد سینا با ناراحتی و اضطراب گفت که گوشی‌اش گم شده است. هر جایی را که فکر می‌کردیم شاید گوشی آنجا افتاده باشد گشتیم اما گوشی پیدا نشد.»

متهم در ادامه افزود:«بچه‌ها می‌گفتند باز هم کار بهناز است. حتی نازنین که فامیل نزدیک او بود می‌گفت که به او شک دارد. همه ما عصبانی بودیم و احساس می‌کردیم کار دارد به جاهای باریک می‌کشد. دزدی‌ها از وسایل کوچک شروع شده بود و حالا کار داشت به گم شدن گوشی می‌رسید. برای همین تصمیم گرفتیم هرطور شده از زیر زبان بهناز حرف بکشیم و بفهمیم که آیا او از ماجرای سرقت گوشی چیزی می‌گوید یا نه. برای همین قرار شد برنامه دورهمی در خانه سینا ترتیب دهیم و به بهناز بگوییم که باز هم برای مهمانی آنجا بیاید. روز حادثه نازنین هم با ما آمد دو نفر دیگر از دوستانم هم بودند اما خود سینا در خانه نبود و گفت نمی‌توانم مغازه محل کارم را رها کنم و بیایم. وقتی وارد خانه شدیم سر حرف را باز کردیم اما بهناز زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت به او تهمت زده‌ایم. برای همین تصمیم گرفتیم او را گوشمالی دهیم و کتک بزنیم تا شاید حرف بزند. ما فکرش را هم نمی‌کردیم که حال او اینقدر بد شود و کار به اینجا بکشد و قصد کشتن او را نداشتیم.»

در حالی که دو پسر جوان دیگر اظهارات امید را تائید کردند، برای هر سه نفر کیفرخواست مشارکت در قتل صادر شد. همچنین برای نازنین و سینا اتهام معاونت در قتل تعیین شد و پرونده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم تقاضای قصاص متهمان را کردند اما آنها اتهام خود را نپذیرفتند و اظهار داشتند قصد قتل نداشتند.

سپس عبدالصمد خرمشاهی به عنوان وکیل سینا در جایگاه حاضر شد و گفت:«متهمان وقتی حال وخیم مقتوله را مشاهده کردند حتی اقدام به تهیه دستگاه اکسیژن کردند تا او را احیا کنند. بنابراین آنها قصد ارتکاب جنایت نداشتند و اگر از این اتهام تبرئه شوند به طبع آن عنوان اتهامی موکل بنده نیز تغییر می‌کند.»

او در مورد اتهام آدم‌ربایی که در کیفرخواست برای متهمان عنوان شده نیز گفت:«متهمان در مکانی با مقتوله قرار گذاشتند و او را با رضایت خودش سوار ماشین کردند و بعد با هم به خانه‌ای رفتند که قبلا نیز آنجا مهمانی رفته بودند. حتی در بین مسیر توقف کرده و با هم از سوپرمارکت خرید کردند.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان و وکلای آنها برای صدور رای وارد شور شدند.

صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر مسئول: امیر تاجیک
زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: بابک نبی

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: مرتضی کلیلی
تحریریه ورزش: مهدی هژبری و مهدی یکتا
ویراستار: فرزانه اختیاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۴:۳۰ | طلوع آفتاب: ۰۵:۵۳ | اذان ظهر: ۱۱:۵۶ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۸ | اذان مغرب: ۱۸:۱۶

درباره محمود خوردبین که عاشق دخترانش است

پروفایل

تولد رابرت ردفورد فوتبال ایران

۲ مهر سالروز تولد یکی از چهره‌های شاخص تاریخ باشگاه پرسپولیس است

پروفایل امروزمان را به محمودخان خوردبین اختصاص دادیم. حتما در قاب امروزمان عکس‌های دخترانش ساقی و سلما را دیده‌اید که یک‌جورهایی ادمین آقای خوردبین در فضای مجازی هستند و ما را از حال و هوای ایشان با خبر می‌کنند. محمود خان امروز شمع ۷۷سالگی را فوت می‌کند.

از او چه می‌دانیم؟

متولد سال ۱۳۲۷ است؛ سال‌ها پیش آقا محمود با سرکار خانم سیمین اکراد کارمند شرکت هواپیمایی ازدواج می‌کند و حاصل این ازدواج هم دو دختر برازنده به نام‌های سلما و ساقی است. همچنین مرد وفادار پرسپولیسی دونوه دختری به نام‌های ایزابلا و رزابلا دارد که هراز گاهی این دو را با پیراهن پرسپولیس کنار پدربزرگ معروف می‌بینیم.

رابرت ردفورد فوتبال ایران!

محمودخان یکی از خوش قیافه‌ترین بازیکنان قبل از انقلاب فوتبال ایران بود. از آنجایی که محمود خوردبین موهای بور و چشمان آبی‌رنگی داشت، در آن سال‌ها با رابرت ردفورد هنرپیشه مشهور آمریکایی مقایسه می‌شد که با فیلم بوچ کسیدی و ساندیس کید حسابی سرزبان‌ها افتاده بود!

شماره ۱۴ به عشق یوهان کرویف

شماره ۱۴ یکی از شماره پیراهن‌های ماندگار تاریخ باشگاه پرسپولیس است. خوردبین این شماره را به خاطر عشق و علاقه زیاد به سبک بازی یوهان کرویف اسطوره آژاکس و فوتبال هلند انتخاب کرده بود.

شکارچی دربی با گل‌های جنجالی

خوردبین در تاریخ دربی‌ها و به عنوان بازیکن ۳ گل به (تاج سابق) زده اما ۲ گل آن حسابی جنجالی شده است! در دربی سال ۱۳۴۸ تاج با گل غلامحسین مظلومی یک بر صفر از پرسپولیس جلو بود. حدود ۲۰دقیقه به پایان بازی خوردبین با دریبل دو هافبک در مواجهه با پرویز قلیچ‌خانی دست خود را می‌کشد تا مدافع تاج نگیرد. هر دو به زمین می‌افتند و هنگام برخاستن خوردبین با ضربه‌ای دیدنی گل تساوی را وارد دروازه می‌کند. داور مطرح آن زمان مرحوم حاج ابوالحسن خطای خوردبین را می‌گیرد. عزیز اصلی خشمگین می‌شود و ناگهان به سمت داور حمله می‌کند و به او سیلی می‌زند و داور از زمین بیرون می‌رود و... خلاصه آنکه آن بازی ۳ بر صفر به سود تاج سابق اعلام می‌شود! دومین گل خوردبین که جنجال آفرید، مربوط به دربی ۲۷ اسفند ۱۳۵۴ است. استقلال به رهبری رایکوف و با گل مسعود مژدهی در دقیقه ۲۵ تاج سابق را یک بر صفر جلو انداخته بود. در آن زمین و هوا بازی با خشونت فراوان دنبال می‌شد تا دقیقه ۹۰ که شوت خوردبین به تیرک دروازهٔ منصور رشیدی اصابت کرد و برگشت ولی منوچهر نظری کمک‌داور بازی به داور (محمد صالحی) گفت قوس داشته و گل شده و داور هم اعلام گل کرد. جنجال شدیدی در گرفت اما نهایتاً داور در سوت خود دمید و بازی را با همین نتیجه یک-یک تمام شده اعلام کرد.

خداحافظی جنجالی با گل فتح‌آبادی

محمودخان به عنوان بازیکن پرسپولیس آخرین بار سال ۵۸ در دربی به زمین رفت. استقلال با گل فتح‌آبادی یک‌بر صفر جلو بود. در دقیقه ۷۰ تماشاگران پرسپولیس بازی به زمین هجوم بردند و بازی نیمه‌کاره ماند تا وداع خوردبین با زمین چمن اینگونه رقم بخورد! او در این سال‌های بازی در پرسپولیس ۱۷۰بار به میدان رفت و ۴۷ گل هم برای این تیم به ثمر رساند. در آخر هم اینکه عمرتان مستدام آقای خوش تیپ فوتبال...

قاب / از رویدادهای امروز تا مشاهیر تاریخ معاصر و عکس‌های خاطره‌انگیز شهری و خودرویی و فوتبالی و...

قاب امروز ۱

عکسی از نمایش «دلی دومرول»؛ تقابل مرگ و زندگی در روایت فولکلور آذربایجان.

عکس: زهرا غیاث / ایسنا

قاب تاریخ

وداع غم‌انگیز مادر و فرزندی که شکار ساسان مویدی عکاس شده‌اند؛ هفته دفاع مقدس است و یادی کنیم از دلیرمردانی که جان خود را کف دست گذاشتند و بدون هیچ چشمداشت مالی عازم جبهه‌های جنگ با ارتش بعث شدند. خیلی از آنها شهید شدند و خیلی‌های دیگر اسیر و عده زیادی هم مجروح. قهرمانان واقعی که مثل امروزی‌ها دنبال هیچ پست و مقامی هم نبودند. البته هستند تعداد انگشت‌شماری که هم خودشان و هم فرزندان‌شان پست‌های خوبی گرفتند و نام‌شان را هم خوب می‌دانید!

قاب امروز ۲

آغاز سال جدید تحصیلی است و برای همین این عکس از خانم زری فتحی کمک داور برجسته فوتبال دختران که از قضا دبیر ورزش هم هست و در دبیرستان تدریس می‌کند را برای‌تان انتخاب کردیم.

قاب نوستالژی

استایل جوانان تهرانی و نوع پوشش آنها؛ خیابان کارگر شمالی (امیر آباد) حوالی موزه هنرهای معاصر - ۲۶ تیر ۱۳۸۱

عکس: ساسان توکلی

سلامت

بالاخره کی ورزش کنیم

بهترین زمان برای ورزش صبح یا ظهر یا عصر؟

شکی نیست که ورزش به بهبود سلامت و تناسب اندام کمک می‌کند و خطراتی را که ممکن است منجر به مرگ شوند را کاهش می‌دهد. اما آیا زمان بهینه‌ای برای ورزش کردن وجود دارد؟ طبق مطالعات و تحقیقات قبلی، بهترین زمان برای ورزش بسته به هدف ورزش متفاوت است، چه مبارزه با چاقی باشد، چه افزایش عملکرد بدنی، حمایت از سلامت قلب یا رفع اختلالات خواب.

ورزش صبحگاهی

طبق یک مطالعه در سال ۲۰۲۲، ورزش صبحگاهی می‌تواند به ویژه برای سلامت قلب مفید باشد و همچنین ممکن است منجر به خواب بهتر شود. یک مطالعه در سال ۲۰۲۳ نیز گزارش داد افرادی که بین ساعت ۷ صبح تا ۹ صبح ورزش می‌کردند، نسبت به افرادی که بعدازظهر یا عصر ورزش می‌کردند، BMI کمتری داشتند. ورزش صبحگاهی متابولیسم را افزایش می‌دهد؛ به این معنی که شما در طول روز به سوزاندن کالری ادامه می‌دهید، در حالی که آنها را مصرف می‌کنید، نه اینکه آنها را شب هنگام خواب بسوزانید. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که ورزش در اوایل صبح می‌تواند سطح کلسترول را به میزان قابل توجهی کاهش داده و سطح انرژی را افزایش دهد.

ورزش بعدازظهر

بعدازظهر بهترین زمان برای بهبود عملکرد، تقویت عملکرد و قدرت عضلات، فعالیت آنزیم‌ها و استقامت در نظر گرفته می‌شود. بعد از ظهر همچنین بهترین زمان برای ورزش برای ورزشکاران است. دمای بدن که در اواخر بعدازظهر به اوج خود می‌رسد، در عملکرد بدنی نقش دارد. مطالعات نشان داده‌اند که هرچه دمای بدن بالاتر باشد، عملکرد ورزشکاران پایین‌تر است.

ورزش عصرگاهی

ورزش عصرگاهی به افراد چاق کمک می‌کند تا حساسیت به انسولین خود را بهبود بخشند. ورزش به عنوان عاملی شناخته می‌شود که انسولین را در کاهش سطح قند خون مؤثرتر می‌کند، که به نوبه خود از افزایش وزن جلوگیری کرده و در برابر دیابت نوع ۲ محافظت می‌کند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

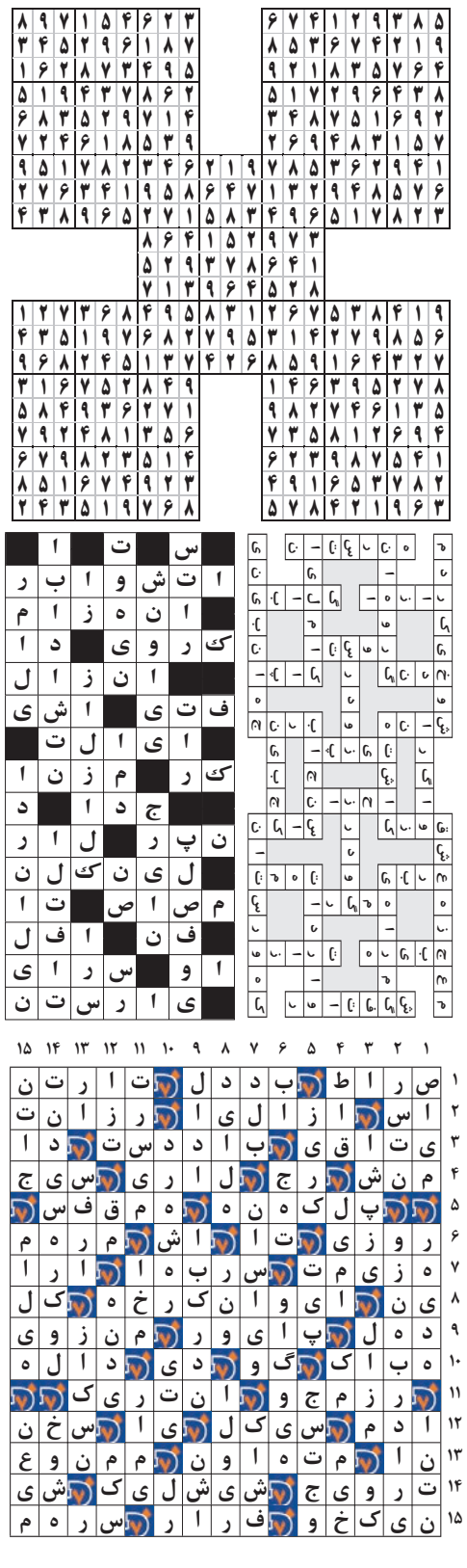

لغت‌یابی

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴حرفی: بناب، تجسم، تکان، دراز، رقیب، زرگر، کلون، یوکا

۵حرفی: انواع، جوشان، خندان، دیوار، سپهبد، فانوس، کنونی، مصایب، ملامت، منتخب، نپتون، وارده، وروجک، ولایت

۶حرفی: رونوشت، رهسپار، کامران، متصاعد

۷حرفی: آتشپاره، نکونامی

۸حرفی: انباردار، بازیافتن، ترموستات، سرباززدن

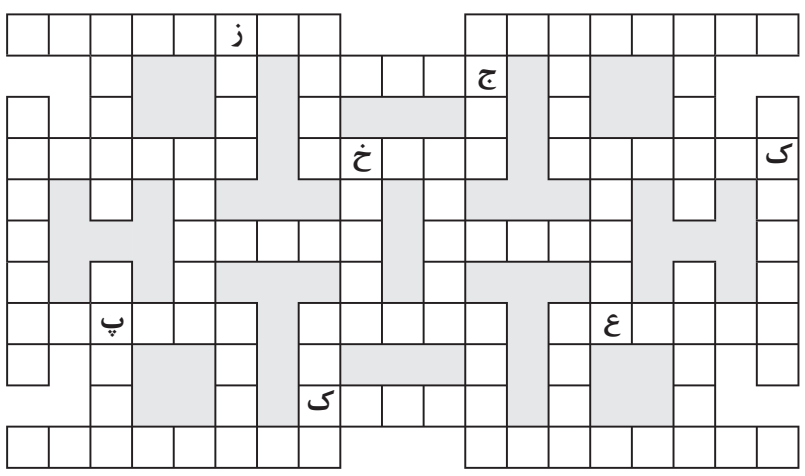

جدول شرح درمتن

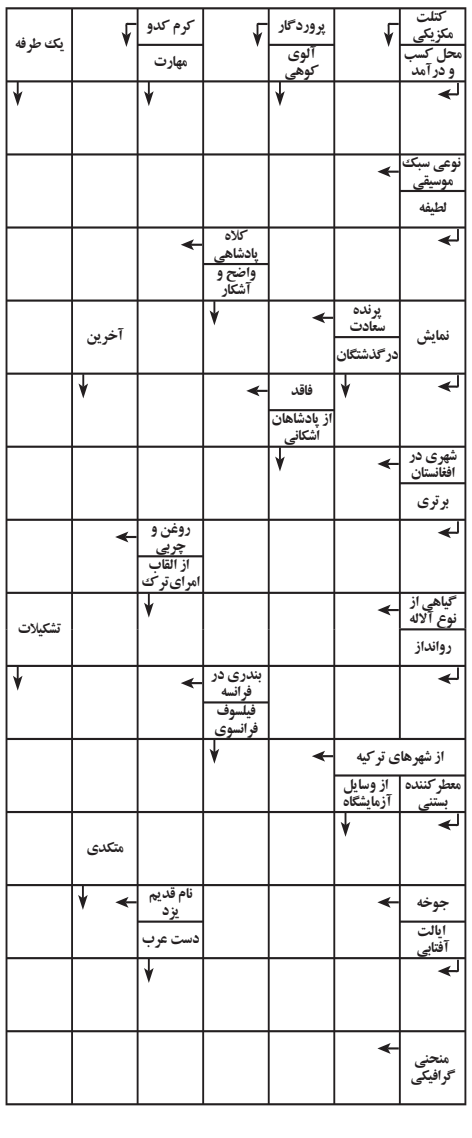

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

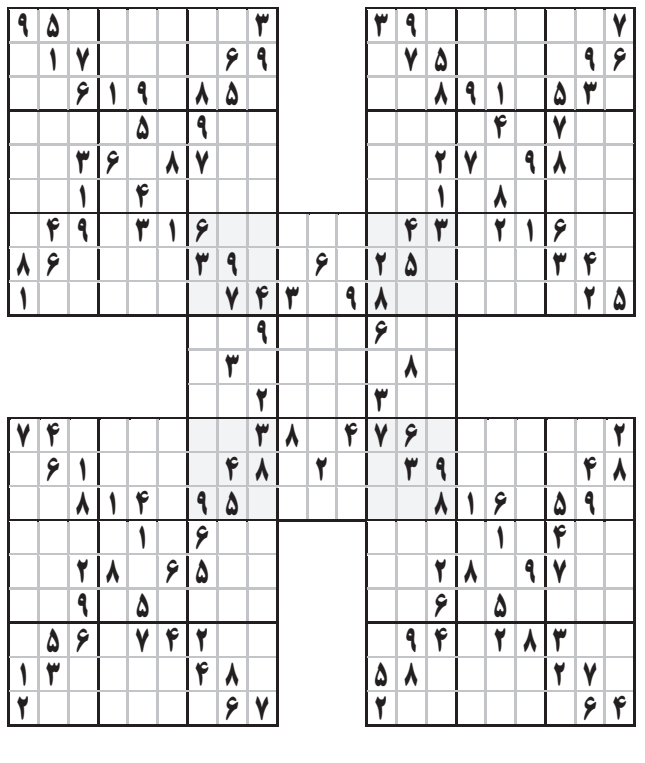

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱- تپه باستانی نمین اردبیل - اثر دیدنی لردگان
۲- محل نمایش دلقک بازی - از فرزندان چنگیزخان - جمع سطح
۳- تاخت اسب - سوغات گجرات - لیست - کله
۴- برش هندوانه - دستینه - خطاب بی‌ادبانه - کامل و تمام
۵- از موجودات تک سلولی - جای قرار و آرام
۶- فرشتگان - روزها - اصطلاحی در رایانه
۷- کوره نان‌پزی - لوس و ازخودراضی - میوه نرسیده - چه وقتی؟
۸- قلب - طرف - رخنه در کار - آب بند
۹- مقابل زیر - دستگاه نمابر - دبیر سلیمان نبی - اول
۱۰- جمع وکیل - از جزایر ژاپن - هنر نمایشی
۱۱- فریب و کلک - نویسنده روسی خالق اثر قهرمان عصرما
۱۲- پختنی نانوا - بیرون دهان - برش باریک هندوانه - کاخ زمستانی
۱۳- ساز ضربی - مقابل رفت - ضربه فنی در کشتی - نماد لاغری
۱۴- گرفتار - نافرمانی کردن - زغال
۱۵- مرکز شهرستان لنجان استان اصفهان - ماهر و زبردست

عمودی

۱- ایستادگی و پایداری - لحاف
۲- پایتخت لتونی - قدبلند و لاغر - تاج
۳- مساوی - غارت - آهنگ سخن - حرف دهن‌کجی
۴- شهری در بلژیک - جوش ریز بدن - شکاف سر قلم - پایتخت سوئیس
۵- پول قدیمی آلمان - تکان - خرابکار اینترنتی
۶- شهری در ایتالیا - نام قدیم اتریش - صبح زود
۷- دزدی اینترنتی - ضامن شدن - برج فرانسه - جرقه آتش
۸- جمع تفسیر - از غذاهای ایرانی
۹- گودتر از چاله - حرف انتخاب - عداوت - حرف هشتم لاتین
۱۰- شهد شیرین - دارای تکلیف - بالا رفتن
۱۱- وسیله انتقال برق - خاندان و قوم - کرم کدو
۱۲- وجود دارد - پیش - رکن اصلی نماز - پاره و تراک
۱۳- مرغابی - دیوار بلند - کم عقلی - دشمن سرسخت
۱۴- سران و بزرگان - یک شکل و یک‌جور - صنعتی در ادبیات
۱۵- نوعی نقشه قالی - آدم‌کش سیاسی